

آمریکا

خروج
و تبعات آن برای ایران
از برجام
تهیه کننده: شرکت سبدگردان الگوریتم

خرداد ۹۷

IRAN
SANCTIONS



خوارزمی
مدیریت سرمایه گذاری
شرکت سهامی خاص



شرکت سرمایه گذاری
آفسر نگر سپهر ابدان
(سهامی خاص)



تکاورفقه نگر خوارزمی (سهامی خاص)
khorzmi brokerage co.



بانک سرمایه سپهر
Sina Investment Bank



سیمه (سهامی خاص)
سرمه



شرکت داده پرداز خوارزمی
(سهامی خاص)



سینا دارو
Sina Darou



شرکت تولید و توسعه استقامتی
تیر و پارسه



شرکت توسعه برق
واترژنی سپهر (سهامی خاص)



توسعه جهان
سدر جهان
Sadr Jahan
Investment Development Co.



شرکت و استپاری سپهرپارس
(سهامی خاص)



نچارد گسترده خوارزمی



شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی
(سهامی خاص)



شرکت توسعه فناوری اطلاعات
خوارزمی (سهامی خاص) (مفاحخر)



(سهامی خاص)
خوارزمی
شرکت توسعه ساختمان



zema co
شرکت خدمات کار و سرمایه گذاری



شرکت سبگردان الگوریتم
ALGORITHM CAPITAL

- چکیده ۱
- تاریخچه تحریم های اعمالی علیه ایران ۴
- تحریم های آمریکا ۴
- تحریم های سازمان ملل ۱۰
- تحریم های اتحادیه اروپا ۱۱
- تحریم ها و برجام ۱۳
- ساختار تحریم های مالی آمریکا ۲۰
- اوفک و تاریخچه کنترل مالی ۲۰
- اوفک و ممانعت از دسترسی به نظام مالی آمریکا ۲۱
- قوانین جدید برای کنترل و اعمال فشار بیشتر ۲۲
- اطلاعات مالی و نقش نهادهای بین المللی ۲۵
- گروه ویژه اقدام مالی ۲۵
- سونیفت ۲۶
- نهادهای اقتصادی جهان و سازمان ملل ۲۷
- آمریکا و سلطه گری اقتصادی ۲۷
- تحریم بانکها ۲۸
- خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریمها ۳۱
- تحریم های بازگشتی بعد از دوره ۹۰ روزه ۳۱
- تحریم های بازگشتی بعد از دوره ۱۸۰ روزه ۳۲
- تقابل اتحادیه اروپا، چین و روسیه با تحریم ها ۳۳
- تحریم ها و ارزیابی امکان برون رفت از بحران ۳۵
- تحریم های مالی آمریکا ۳۵
- تحریم های غیر مالی آمریکا ۳۸
- جمع بندی ۳۹
- منابع ۴۰

شرکت سیدگردان الگوریتم



شرکت سیدگردان الگوریتم به عنوان یکی از نهادهای مالی زیر مجموعه گروه سرمایه گذاری خوارزمی با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار و با هدف ارائه خدمات حرفه ای در حوزه مدیریت دارایی ها و سایر خدمات مالی تاسیس شده است. مدیریت انواع صندوق های سرمایه گذاری، طراحی و تأسیس صندوق های سرمایه گذاری با ساختارهای جدید، مدیریت سبدهای اختصاصی و ارائه خدمات مدیریت دارایی ها به صورت تخصصی و متناسب با اهداف و نیازهای منحصر به فرد گروه های مختلف مشتریان در دستور کار اصلی این شرکت قرار دارد. شرکت سیدگردان الگوریتم، مزیت اصلی خود را بهره گیری از نیروی انسانی متخصص با دانش و تسلط بر ابعاد مختلف بازار سرمایه کشور می داند و در نظر دارد که با تکیه بر توان این مدیران و تحلیلگران خبره، با ارائه خدمات نوین در حوزه مدیریت دارایی ها، نقش موثری در گسترش بازار سرمایه کشور ایفا نماید.

عنوان گزارش: خروج آمریکا از برجام و تبعات آن برای ایران
تهیه و تدوین کننده: محمد مهدی عسگری ده آبادی
ناظران: پرهام سیددین، علیرضا کنعانی، جلیل فلاحی، نجیبه خوشرو
صفحه آرا: بهناز حاجی الیاسی
تاریخ انتشار: خرداد ماه ۱۳۹۷

تهران- خیابان ولیعصر- خیابان بزرگمهر- پلاک ۱۶- طبقه چهارم- واحد ۴۱۰
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۶۵۵ | فکس: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۲۵

www.algocm.com

چکیده

خروج آمریکا از توافق نامه برجام، ایران را در شرایط اقتصادی سیاسی جدیدی قرار داده است. اقدام ترامپ این پرسش اساسی را فراروی فعالان بازار قرار می دهد که خروج یک جانبه آمریکا از توافق نامه برجام، شرایط کنونی را تا چه حد به شرایط پیش از برجام نزدیک خواهد کرد. در این گزارش ضمن بررسی تحریم های اعمال شده علیه ایران در طول سالیان پس از انقلاب و واکاوی امکان پذیری نقش آفرینی اتحادیه اروپا و دیگر شرکای برجام در بازداشتن آمریکا از اعمال تحریم های همه جانبه، اثر خروج یک جانبه آمریکا از توافق نامه برجام مورد بررسی قرار گرفته است.

ایران پس از انقلاب اسلامی آماج تحریم های مختلف بوده است. این تحریم ها از حیث نهاد تحریم کننده به سه گروه اصلی تقسیم می شوند:

- ✓ تحریم های ایالات متحده آمریکا که پس از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آغاز و در سال های بعد به بهانه هایی همچون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، گسترش برنامه های هسته ای، برنامه های موشکی و ... تشدید شد.
- ✓ حریم های سازمان ملل متحد که به بهانه توسعه فعالیت های هسته ای علیه ایران اعمال شد.
- ✓ تحریم های اتحادیه اروپا که به بهانه فعالیت های هسته ای ایران و ادعای نقض حقوق بشر علیه کشورمان اعمال شد.

چنان که مشاهده می شود هر سه نهاد در اعمال تحریم به دلیل فعالیت های هسته ای ایران با یکدیگر هم نوا بوده اند و توافق نامه برجام نیز برای حل مشکل هسته ای ایران و رفع دستاویزهای بهانه جویی کشورهای غربی در خصوص آن امضا شد.

ایران و گروه ۵+۱ پس از ماه ها مذاکره فشرده سرانجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به توافقی رسیدند که بر اساس آن ایران به بهای صرف نظر کردن از بخشی از حقوق هسته ای خود از زیر بار تحریم های هسته ای اعمال شده علیه خود خارج می شد.

مهم ترین تعهدات گروه ۵+۱ در قبال ایران به شرح زیر بود:

- ✓ حذف کلیه تحریم های سازمان ملل
- ✓ حذف تحریم های اروپا که به پرونده هسته ای ایران مربوط می شد
- ✓ حذف تحریم های ثانویه آمریکا از طریق لغو یا توقف برخی دستورات اجرایی دولت آمریکا و قوانین کنگره

به دنبال خروج آمریکا از برجام وزارت خزانهداری آمریکا طی بیانیه ای، برنامه ای زمان بندی شده برای بازگشت تحریم های ایران اعلام کرد. بر اساس این بیانیه برخی از تحریم هایی که به موجب برجام متوقف شده بودند طی سه ماه آینده و برخی طی شش ماه آینده مجدداً برقرار خواهند شد. همچنین تحریم ها علیه افراد خارج شده از فهرست SDN و سایر فهرست ها حداکثر تا ۱۴ آبان سال ۱۳۹۷ مجدداً اعمال خواهد شد. بر اساس این فهرست، بخش وسیعی از شرکت ها و نهادهای اقتصادی یا افراد تصمیم گیر در آنها تحت تحریم اقتصادی قرار خواهند گرفت.

به رغم خروج آمریکا از برجام سه کشور اروپایی، چین و روسیه پایبندی خود به برجام را اعلام و خواستار پایبندی ایران به آن شدند. در مقابل ایران برای باقی ماندن در برجام خواستار ارائه تضمین های اجرایی از طرف اروپایی ها مبنی بر تداوم فعالیت اقتصادی ایران در سطح

بین‌المللی شده است. واقعیت آن است که ساختار تحریم‌های مالی آمریکا به گونه‌ای است که تمایل سایر طرف‌های ایران در توافق‌نامه برجام به حفظ این توافق، قادر به عادی‌سازی شرایط بین‌المللی و حفظ منافع ایران نخواهد بود و به نظر می‌رسد که گره‌های ایجادشده در جریان ارتباطات مالی و بانکی ایران با دنیا به سادگی قابل‌گشایش نباشد؛ بنابراین ایران باید به فکر روش‌هایی برای بی‌اثر کردن تحریم‌های مالی آمریکا باشد. کارشناسان معتقدند استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه و استفاده از فضای مالی چین و روسیه می‌تواند گامی مؤثر برای نیل به این هدف باشد هر چند مقایسه امکان‌پذیری چنین پیمانی با آنچه در حال حاضر میان برخی کشورهای برقرار شده، شاید قیاس دقیقی نباشد.

در عین حال تجربه دور پیشین تحریم‌ها و عدم تسلط آمریکا به شرکت‌های تجاری کوچک و متوسط در سرتاسر جهان کارشناسان را تقریباً به این جمع‌بندی رسانده است که تبعات تحریم‌های غیرمالی

آمریکا -ناظر به تحریم دادوستد با ایران- به گسترده‌گی تحریم‌های مالی و بانکی نیست. البته در این خصوص باید بین فروش نفت ایران و فروش سایر کالاها تمایز قائل شد. در خصوص فروش نفت در صورت اقدام مناسب اروپا و مذاکره و انعقاد قراردادهای تجاری با کشورهای طرف معامله ایران احتمالاً می‌توان به جلوگیری از افت شدید فروش نفت آن امیدوار بود. با این حال این کار فرآیندی دشوار و زمان‌بر خواهد بود. دور قبلی تحریم‌ها که با همراهی تمامی کشورهای جهان همراه بود منجر به صفر شدن صادرات نفت ایران نشد، بنابراین شاید یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و عدم اجماع جهانی فرصتی برای ضمانت تداوم فروش نفت ایران حداقل در کوتاه‌مدت باشد.

تحریم فروش در سایر صنایع از جمله فولاد و فلزات اساسی، محصولات پتروشیمی، پالایشی و ... به دلیل پراکندگی فروشندگان و حضور فعال بخش خصوصی در آن دشوارتر به نظر می‌رسد. در واقع تجربه تحریم‌های پیشین نشان می‌دهد تحریم کامل این گروه از صنایع تا حد زیادی ناممکن است و تبعات تحریم بیشتر به شکل افزایش هزینه‌های فروش برای صادرکنندگان بروز خواهد نمود. باید توجه داشت که اغلب صادرکنندگان ایرانی در حال حاضر و در کل دوره پس‌برجام نیز از ارتباطات بانکی محروم بودند ولیکن به دادوستد و فروش محصولات خود ادامه دادند. بنابراین با توجه به زمان‌بندی آغاز تحریم‌ها می‌توان امیدوار بود که صادرات غیرنفتی (لااقل برای سال جاری) با افت شدیدی مواجه نشود. با این حال قضاوت در خصوص تأثیر بلندمدت تحریم‌ها در این گروه صنایع، نیازمند گذشت زمان و ارزیابی نحوه برخورد طرف‌های تأثیرگذار در روند آتی مذاکرات و توافقات بین‌المللی است.

در مجموع می‌توان امیدوار بود که خروج آمریکا از برجام، فاقد اثرگذاری جدی بر حجم فروش و صادرات محصولات غیرنفتی ایران طی سال جاری باشد و اثرگذاری آن بر فروش نفت ایران به توافقات صورت گرفته با سایر طرف‌ها بستگی دارد؛ اما قطعاً آثار مخرب بسیاری بر تعاملات مالی و انتقال پول به ایران خواهد داشت که بیش‌ازپیش ضرورت دستیابی به توافقات تضمین‌شده را در این خصوص گوشزد می‌نماید. در پایان باید توجه داشت که با توجه به پیچیدگی مسائل مورد مذاکره، دستیابی به هرگونه توافق عملی جهت حفظ منافع ایران در برجام فرآیندی بسیار زمان‌بر بوده و ممکن است ماه‌ها به طول انجامد. لذا لازم است فعالان اقتصادی این شرایط را در محاسبات و ارزیابی‌های خود لحاظ کنند.

خروج آمریکا از برجام

سرانجام پس از اماواگرهای فراوان، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از توافق‌نامه برجام خارج شد تا دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران آغاز شود. اقدام ترامپ این پرسش اساسی را فراوری فعالان بازار قرار می‌دهد که خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق‌نامه برجام، شرایط کنونی را تا چه حد به شرایط پیش از برجام نزدیک خواهد کرد. در این شرایط، تأکید پنج طرف دیگر مذاکره با ایران بر پابندی به برجام کورسوی امیدی مبنی بر ناتوانی آمریکا از اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران ایجاد کرده است. این که اتحادیه اروپا، چین و روسیه تا چه حد قادر به مقابله با تحریم‌های آمریکا بوده و می‌توانند در صورت باقی ماندن ایران در برجام منافع کشور ما را تضمین نمایند، مستلزم شناخت دقیق ابعاد فنی و حقوقی تحریم‌ها و همچنین ابزارهای در اختیار آمریکا برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه است. در این گزارش ضمن بررسی تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران در طول سالیان پس از انقلاب و واکاوی امکان‌پذیری نقش آفرینی اتحادیه اروپا و دیگر شرکای برجام در بازداشتن آمریکا از اعمال تحریم‌های همه‌جانبه، آثار خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق‌نامه برجام مورد بررسی قرار گرفته است.



تاریخچه تحریم‌های اعمالی علیه ایران

تحریم‌های آمریکا

به دنبال ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران، جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ برابر با ۲۳ آبان ۱۳۵۸ با استفاده از اختیارات خود و با صدور فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ ضمن اعلام وضعیت فوق‌العاده در خصوص روابط این کشور با ایران، کلیه دارایی‌ها و اموال دولت ایران و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی آن را که در آمریکا قرار داشتند یا تحت کنترل افراد و نهادهای تحت قیمومیت آمریکا بودند را مسدود کرد. با امضای بیانیه الجزایر در ۲۹ دی ۱۳۵۹ بخش قابل‌توجهی از دارایی‌های توقیف‌شده ایران آزاد و دیوان داوری دعای ایران و آمریکا برای رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها و اتباع آن‌ها در دیوان بین‌المللی لاهه تشکیل شد.

اولین تحریم‌های آمریکا در خصوص ممنوعیت معاملات با ایران نیز به همین دوران بازمی‌گردد. در سال ۱۹۸۰ دو فرمان اجرایی ۱۲۲۰۵ و ۱۲۲۱۱ با عنوان "ممنوعیت برخی معاملات مشخص با ایران" توسط کارتر امضا شد. این دو دستور اجرایی بر اساس دستور اجرایی ۱۲۲۸۲ در ۱۹۸۱ لغو شدند.

اتحادیه اروپا و سازمان ملل لغو شد، با این حال تحریم‌های غیرهسته‌ای آمریکا به قوت خود باقی ماند.

در ادامه تحریم‌های اعمال‌شده از سوی هر یک از سه نهاد مذکور به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.



ایران پس از انقلاب اسلامی آماج تحریم‌های مختلف قرار گرفته است. این تحریم‌ها از حیث نهاد تحریم‌کننده به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱- تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا که پس از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آغاز و در سال‌های بعد به بهانه‌هایی همچون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، گسترش برنامه‌های هسته‌ای، برنامه‌های موشکی و ... تشدید گردید.

۲- تحریم‌های سازمان ملل متحد که به علت ارائه گزارش گسترش فعالیت‌های هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت اعمال شد.

۳- تحریم‌های اتحادیه اروپا که به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و ادعای نقض حقوق بشر علیه کشورمان اعمال شد.

چنان‌که مشاهده می‌شود هر سه نهاد در اعمال تحریم به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای ایران با یکدیگر هم‌نوا بوده‌اند و توافق‌نامه برجام نیز تلاشی برای حل مشکل هسته‌ای ایران و رفع دستاویزها و بهانه‌جویی‌های کشورهای غربی در خصوص آن امضا شد. بنابراین پس از امضای توافق‌نامه برجام کلیه تحریم‌های

تحریم‌های
آمریکا

سلاح‌های متعارف پیشرفته) به ایران یا عراق کمک می‌کردند مشمول تحریم‌هایی به مدت دو سال می‌شدند. این تحریم با توجه به محدودیت زمانی تصریح‌شده در قانون در حال حاضر مهم محسوب نمی‌شود.

در سال ۱۹۹۵ دستور اجرایی ۱۲۹۵۷ تحت عنوان "ممنوعیت برخی از معاملات مربوط به توسعه منابع نفتی ایران"^۳ توسط کلیتون امضا شد. بر اساس این دستور اجرایی هرگونه انعقاد قرارداد، تأمین مالی یا تضمین قراردادهای مربوط به توسعه منابع نفتی ایران توسط هر شخص آمریکایی یا هر شرکتی که در کنترل یا تملک افراد آمریکایی باشد ممنوع شد. در همین سال دستور اجرایی ۱۲۹۵۹ تحت عنوان "تحریم معاملات خاص در خصوص ایران"^۴ نیز توسط رئیس‌جمهور آمریکا صادر شد. این دستور اجرایی، ممنوعیت واردات از ایران که از سال ۱۹۸۷ برقرار شده بود را افزایش داده و هر نوع تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری جدید در ایران را ممنوع اعلام کرد.

تحریم بعدی نیز در سال ۱۹۹۵ تصویب شد. این تحریم که به لایحه تحریم ایران و لیبی^۴ یا ایلسا (ILSA) مشهور بود از لویج کنگره بود که تحریم‌هایی را علیه شرکت‌های درگیر تجارت با ایران و لیبی اعمال می‌کرد. شاید بتوان گفت این قانون - که در ایران به نام پیشنهاددهنده آن در سنا یعنی سناتور آلفونسو داماتو به قانون داماتو مشهور است - اولین تحریم سخت و جدی آمریکا علیه ایران بود؛ در واقع این قانون اولین قانون تحریمی آمریکا علیه ایران بود که دامنه تحریم‌ها را به خارج از مرزهای آمریکا می‌کشاند.

بر اساس این قانون هرگونه سرمایه‌گذاری آتی بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران توسط هر

دومین تحریم جدی آمریکا علیه ایران در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۴ و در پی انفجار مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت اجرایی شد. ریگان در این سال کشته شدن ۲۴۱ تفنگدار آمریکایی در لبنان را مستمسک قرار داد و ایران را کشور حامی تروریسم اعلام نمود. این تحریم‌ها عمدتاً به مرزهای آمریکا محدود بود. قرار گرفتن ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم منجر به اعمال تحریم‌های دیگری به شرح زیر علیه ایران شد:

- محدودیت فروش کالاهای با کاربرد دوگانه به ایران
- ممنوعیت کمک مالی و فروش اسلحه به ایران
- الزام به دادن رأی منفی آمریکا در خصوص قرض‌دهی نهادهای بین‌المللی به ایران
- ممنوعیت کمک آمریکا به سازمان‌های بین‌المللی که به ایران کمک می‌کنند. برای مثال اگر سازمانی سه درصد از بودجه خود را صرف کمک به ایران کند، آمریکا سه درصد از سهم خود در آن سازمان خواهد کاست و اعلام شد که این ممنوعیت به هیچ‌عنوان قابل اغماض نیست.

ریگان سومین تحریم آمریکا علیه ایران را با صدور فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳ در سال ۱۹۸۷ کلید زد. بر اساس این فرمان اجرایی که به تحریم ممنوعیت واردات از ایران موسوم است وارد کردن هرگونه کالا و خدمتی که دارای ریشه ایرانی باشد به آمریکا ممنوع شد. این قانون محصولات پالایش شده از نفت خام که در یک کشور ثالث تولید شده‌اند را مستثنی می‌کرد.

در گام بعد آمریکا در سال ۱۹۹۲ قانون منع گسترش سلاح‌های کشتارجمعی ایران و عراق را تصویب نمود. به موجب این قانون نهادهایی که در تأمین سلاح‌های کشتارجمعی (به‌طور خاص

^۳Prohibiting Certain Transactions With Respect to the Development of Iranian Petroleum Resources Iran and Libya Sanctions Act.

^۴state sponsor of terrorism Prohibiting Imports from Iran.

ایرانی می‌توانستند دلار ایران را به ارز دیگری همچون یورو تبدیل کنند. این فرآیند اصطلاحاً چرخه دلار نام گرفته است. این کار به‌رغم قانون داماتو با فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت آمریکا انجام شد تا بازار جهانی نفت با شوک کاهش عرضه نفت خام مواجه نشود. این روند تا زمان حمله آمریکا به عراق ادامه داشت. در سال ۲۰۰۸ پس از اشغال عراق و صادرات نفت عراق به بازارهای جهانی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا فرمان اجرایی جدیدی مبنی بر محدودیت‌های شدیدتر برای درآمدهای دلاری ایران را صادر کرد. از آن پس ایران دیگر نمی‌توانست از چرخه دلار نیز استفاده کند.

بر اساس متن قانون داماتو این قانون تحریمی هر ۵ سال توسط رئیس‌جمهور آمریکا تمدید می‌شود. بنابراین قانون داماتو تا پیش از تصویب برجام سه بار در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶، ۲۰۱۱ تمدید شده است. در تمدید قانون در سال ۲۰۰۶ کشور لیبی از متن این قانون حذف شده است و از آن زمان این قانون به قانون ایسا (ISA) مشهور شده است. در نوامبر ۲۰۱۶، این قانون با ۴۱۹ رأی موافق و یک رأی مخالف در مجلس نمایندگان آمریکا و ۹۹ رأی موافق از ۹۹ فرد حاضر در سنای آمریکا برای ده سال دیگر تمدید شد. تمدید این قانون در سال ۲۰۱۶ یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف ایران و آمریکا در خلال اجرای برجام بود. بر اساس پیمان برجام و همان‌طور که در پیوست ۲ این سند آمده است، به دستور اوپاما، اجرای بخش‌هایی از قانون داماتو به‌ویژه در بخش‌های مربوط به صادرات نفت و گاز، پتروشیمی، مواد غذایی و دارو از زمان اجرایی شدن برجام متوقف شد. از سوی دیگر بر اساس بند ۲۶ برجام، آمریکا از بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌هایی که اجرای آن‌ها مطابق برجام لغو گردید، منع شده است؛ بنابراین

شرکتی در دنیا ممنوع شد. این ممنوعیت قابلیت تشدید هم داشته و در آن تصریح شده است که در صورت ادامه آنچه سیاست‌های تروریستی از سوی ایران در طی یک سال خوانده می‌شود (یعنی تا پایان سال ۱۹۹۷) به سرمایه‌گذاری‌های بیش از ۲۰ میلیون دلار نیز گسترش می‌یابد. بنابراین در حال حاضر این قانون علیه شرکت‌هایی است که سرمایه‌گذاری‌های بالای ۲۰ میلیون دلار در ایران داشته باشند اعمال می‌شود.

قانون داماتو در شش بخش، شش نوع مجازات برای شرکت‌هایی که این قانون را نادیده بگیرند پیش‌بینی نموده است:

- ۱- ممنوعیت هرگونه کمک مالی به صادرات-واردات و بانک
 - ۲- ممنوعیت صدور هرگونه مجوز صادرات فناوری به نفع شخص مجازات شده
 - ۳- ممنوعیت اعطای اعتبار بیش از ۱۰ میلیون دلار توسط یک نهاد بانکی آمریکایی به شخص مجازات شده
 - ۴- ممنوعیت مشارکت شرکت‌های مالی مجازات شده در سیستم بانکی آمریکا یا استفاده از منابع دولتی
 - ۵- ممنوعیت خرید هر نوع کالا یا خدمات از شخص مجازات شده توسط دولت فدرال
 - ۶- ممنوعیت کامل واردات تولیدات شخص مجازات شده
- یکی از موارد تحریمی قانون داماتو (و دستور اجرایی کلینتون) محدودیت ایران در استفاده از دلار بود. باین‌حال در سال‌های نخست اجرای این قانون به دلیل سهم بالای ایران از بازار جهانی نفت، ایران بر اساس 31 CFR §560.516(a)(1) اجازه استفاده از دلار را داشت. بر این اساس بانک‌های غیر آمریکایی و غیر

تحریم‌های
آمریکا

تمدید ده‌ساله قانون ISA از نظر ایران نقض برجام به حساب می‌آید.

برای دو دستور اجرایی، ۱۲۹۵۷ و ۱۲۹۵۹ به وجود آمد در پی آن است که تجارت میان ایران و آمریکا از طریق اشخاص ثالث را منع نماید. اشخاصی که آگاهانه کالاهایی را به کشورهای ثالث صادر می‌نمایند تا آن کالاها از طریق کشورهای ثالث به آمریکا صادر شوند، مشمول تحریم‌های آن کشور قرار خواهند گرفت. دستور اجرایی ۱۳۰۵۹ در کنار دو دستور اجرایی ۱۲۹۵۹ و ۱۲۹۵۷ در سال ۲۰۰۶ و ذیل قانون حمایت از آزادی به قانون تبدیل شد.

در سال ۲۰۰۰ قانون مبارزه با تکثیر تسلیحات ایران تصویب شد. این قانون، اشخاص و شرکت‌هایی را که به برنامه تکثیر تسلیحات کشتار جمعی ایران کمک می‌نمایند مشمول تحریم قرار می‌دهد.

نکته حایز اهمیت در خصوص این قانون نادیده گرفته شدن آن توسط سایر کشورها تا پیش از جدی شدن موضوع هسته‌ای ایران است. در واقع سایر کشورهای دنیا به اعمال تحریم‌های فرا سرزمینی از سوی آمریکا روی خوش نشان ندادند و آمریکا نیز برای مجبور کردن کشورها به رعایت آن عملاً اقدامی انجام نداد. باین حال این قانون پس از اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران نقش به سزایی در تحریم همه‌جانبه ایران ایفا کرد.

در سال ۱۹۹۷ رئیس‌جمهور آمریکا دستور اجرایی شماره ۱۳۰۵۹ را صادر کرد. این دستور اجرایی که به منظور ارائه دستورالعملی

در ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و کمتر از دو هفته پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، جرج بوش فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ را امضا نمود. بوش پس از امضای این فرمان اجرایی گفت:

"در ساعت ۱۲:۱۰ امروز صبح بخش مهمی از برنامه جنگ ما علیه تروریسم با حمله یک خودکار (استعاره از امضای این دستور اجرایی) آغاز شد. امروز ما یک حمله علیه بنیان مالی شبکه جهانی ترور انجام دادیم... ما تروریست‌ها را در قحطی مالی قرار خواهیم داد، آن‌ها را به رویارویی علیه خودشان وادار خواهیم کرد و آن‌ها را از مخفیگاه‌هایشان بیرون کشیده و به دست عدالت خواهیم سپرد... ما به بانک‌ها و مؤسسات مالی سراسر جهان اخطار می‌دهیم- ما با دولت‌ها همکاری خواهیم کرد و از آن‌ها می‌خواهیم تا توانایی دسترسی به وجوه در حساب‌های خارجی را برای تروریست‌ها مسدود کنند... اگر شما با تروریست‌ها تجارت کنید یا آن‌ها را تأمین مالی یا پشتیبانی کنید، دیگر نخواهید توانست با آمریکا تجارت کنید."

بسط یافته.

زمانی که بوش قانون میهن‌پرستی آمریکا را امضا کرد، در واقع قوی‌ترین ساختار مبارزه با پول‌شویی در آمریکا از زمان وضع قانون رازداری بانکی در ۱۹۷۰ را ایجاد کرد. هسته الزامات مبارزه با پول‌شویی اکنون نه تنها بانک‌ها بلکه صنایع تجاری و منابع مالی غیر بانکی از سیستم‌های انتقال پول نظیر وسترن یونیون تا شرکت‌های بیمه، کارگزاری‌ها و تجار سنگ و فلزات گران‌بها را شامل می‌شد. فصل سوم قانون ابزارهای جدید و مهمی برای شناسایی، بازرسی و تعقیب قضایی پول‌شویی در اختیار نهادهای قضائی و قانون‌گذاران

از سوی دیگر کنگره قانون میهن‌پرستی آمریکا که فصل سوم آن به نگرانی‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم اختصاص داشت را تصویب کرد. این مصوبه اختیارات قانونی‌ای که وزارت خزانه‌داری برای موارد زیر نیاز داشت را در اختیار آن قرار داد:

- افزایش شمول الزامات مبارزه با پول‌شویی برای فعالان مالی
- گسترش تبادل اطلاعات مالی بین دولت، بخش خصوصی و نیز مؤسسات مالی
- توسعه ابزارهای قدرتمند بیشتر برای اعمال مقررات و سیاست‌های

می‌کنند باید بلوکه شود. این برنامه به‌طور خاص فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم را نشانه گرفته بود.

در سال ۲۰۰۶ قانون حمایت از آزادی ایران تصویب شد. این قانون به دولت آمریکا اجازه می‌داد که از سازمان‌های حقوق بشری و خواهان دموکراسی در ایران حمایت کند. این قانون فروش طلا یا فلزات گران‌بها به ایران را مشمول تحریم قرار می‌دهد.

در سال ۲۰۱۰ "لایحه جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران"^۲ تصویب شد. این قانون، بخش انرژی و خدمات مالی ایران را هدف قرار می‌دهد. بر اساس این قانون سرمایه‌گذاری سالانه بیش از ۱ میلیون دلار در بخش انرژی ایران و نیز فروش بنزین و تجهیزات لازم برای تولید بنزین به ایران و همچنین انتقال گاز ایران با خط لوله ممنوع اعلام شد. همچنین این قانون بانک‌هایی که با سپاه پاسداران روابط تجاری دارند را مشمول تحریم قرار می‌دهد و افراد و نهادهایی را که متهم به نقض حقوق بشر پس از حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران هستند، تحریم می‌کند. مجازات ناقضان این تحریم، نسبت به قانون تحریم ایران (ISA)، گسترده‌تر هستند. در همین سال دستور اجرایی ۱۳۵۵۳ با ادعای نقض حقوق بشر در ایران امضا شد.

در سال ۲۰۱۱ دستور اجرایی ۱۳۵۷۲ صادر شد. بر اساس این دستور اجرایی دارایی‌های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به خاطر حضور آن در سوریه و کمک به نقض حقوق بشر در آن کشور باید مسدود شود. دستور اجرایی ۱۳۵۷۴ نیز امضا شد. این دستور مجوز اجرای برخی تحریم‌های مصوب سال ۱۹۹۶ کنگره در خصوص ایران (ایسا) را صادر می‌کرد.

مالی گذاشت. به دنبال تصویب این قانون، خزانه‌داری چندین مقررات اجرایی برای پیاده‌سازی شفافیت و حسابرسی نظام مالی آمریکا منتشر کرد که به‌طور قابل توجهی الزامات فرآیند احراز هویت مشتری، گزارش دهی، نگهداری سوابق و تبادل اطلاعات را برای طیف گسترده‌ای از ارکان دولت آمریکا و مؤسسات مالی ارتقا می‌داد.

آمریکا هم‌زمان در سطح بین‌الملل، از مجامع مرتبط چندجانبه مانند گروه ویژه اقدام مالی برای پیگیری موضوع تأمین مالی تروریست و تصریح و تعریف مسئولیت‌های بین‌المللی استفاده کرد.

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ و قانون میهن‌پرستی مستقیماً برای تحریم ایران تصویب نشدند اما بسیاری از تحریم‌های آتی ایران به‌واسطه تصویب این قوانین عملیاتی شدند. در سال ۲۰۰۶ اولین اثرات فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ بر ایران مشخص شد و وزارت خزانه‌داری آمریکا به بهانه تعامل مالی بانک صادرات با حزب الله لبنان، "مبادلات چرخه دلار" را با بانک صادرات ممنوع کرد. این محدودیت در سال ۲۰۰۸ به کلیه بانک‌های ایران بسط داده شد. در سال ۲۰۱۱ وزارت خزانه‌داری آمریکا بر اساس ماده ۳۱۱ قانون میهن‌پرستی اعلام کرد که ایران یک نگرانی مبارزه با پول‌شویی است و بدین وسیله نظام مالی ایران را به‌طور کلی مشمول تحریم قرارداد.

در سال ۲۰۰۵ دستور اجرایی شماره ۱۳۳۸۲ صادر شد. این دستور اجرایی به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه می‌داد که دارایی‌های اشخاصی را که از برنامه تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی حمایت می‌نمایند توقیف نماید و مبادلات مالی آن‌ها با اشخاص آمریکایی را نیز ممنوع می‌نمود. به‌علاوه کلیه اموال و دارایی‌های که در کنترل اشخاص یا نهادهای آمریکایی است اما متعلق به افرادی است که از نظر آمریکا در زمینه اشاعه تسلیحات کشتار جمعی فعالیت

^۲ . Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010 (CISADA)

^۱ . IRAN FREEDOM SUPPORT ACT

انرژی ایران همکاری دارند و نیز کلیه اشخاصی را که به نحوی با نقض حقوق بشر در ایران مرتبط هستند، مشمول تحریم قرار می‌دهد.

قانون اجازه دفاع ملی در سال ۲۰۱۳ (مصوب ۲۰۱۲) که شامل قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه می‌شود اشخاصی را که خدمات انرژی، کشتی‌سازی، کشتی‌رانی و بندری به ایران ارائه می‌دهند نیز مشمول تحریم قرار می‌دهد.

ایالات متحده پس از انعقاد توافق‌نامه برجام نیز به وضع تحریم‌های جدید علیه ایران ادامه داد. چنانکه گفته شد در سال ۲۰۱۶ این کشور قانون ISA را تمدید کرد. همچنین کنگره در سال ۲۰۱۷ قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها موسوم به قانون کاتسا را تصویب کرد. این قانون که با رأی قاطع کنگره و سنای ایالات متحده آمریکا، علیه ایران، روسیه و کره شمالی به تصویب رسید، تا از طریق تحریم با آنچه اقدامات خطرناک و دشمنانه این کشورها در قبال آمریکا و متحدانش خوانده شده است، مقابله کند. این لایحه توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا امضا و رسماً به قانون تبدیل شد. این قانون در ابتدا با عنوان قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران مطرح شد و در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۷ به تصویب سنای آمریکا رسید، تا دور جدید تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی به اتهام حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و برنامه توسعه موشک‌های بالستیک را وضع کند. اما در پی مخالفت شکلی مجلس نمایندگان و تحولات و مذاکرات انجام‌شده در کنگره، دایره شمول آن به روسیه و کره شمالی نیز گسترش یافت. بر اساس این قانون، تحریم‌های سخت جدیدی علیه سه کشور ایران، روسیه و کره شمالی اعمال می‌شوند. تحریم‌ها علیه ایران به اتهام «حمایت از تروریسم و گروه‌های شبه‌نظامی، نقض

در سال ۲۰۱۱ دستور اجرایی ۱۳۵۹۰ صادر شد. این دستور اجرایی، شرکت‌های خارجی را که به ایران، تجهیزات یا خدماتی می‌دهند که می‌تواند در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی این کشور به کار آید مشمول تحریم قرار می‌دهد.

در سال ۲۰۱۱ "قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۲" بانک‌های خارجی ای که با بانک مرکزی ایران کار کنند را مشمول تحریم قرار داد. استثنای این تحریم، بانک‌هایی بودند که کشورهای آن‌ها هر ۱۸۰ روز به‌طورجدی خرید نفت خود از ایران را کاهش دهند.

در سال ۲۰۱۲ دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ صادر شد. این دستور اجرایی، کلیه دارایی‌های دولت ایران از جمله دارایی‌های بانک مرکزی ایران را توقیف نمود و بدین ترتیب، قانون اجازه دفاع ملی در همان سال تکمیل شد. در همین سال دستور اجرایی شماره ۱۳۶۰۶ صادر شد. این دستور اجرایی، اشخاصی را که به دولت‌های ایران و سوریه کمک می‌کنند تا از طریق فناوری اطلاعات، حقوق بشر را نقض نمایند، مشمول تحریم قرار می‌دهد. دستور اجرایی شماره ۱۳۶۲۲ نیز در سال ۲۰۱۲ صادر شد. این دستور اجرایی، مؤسسات مالی خارجی را که نفت یا فرآورده‌های نفتی یا پتروشیمی از ایران می‌خرند مشمول تحریم قرار می‌دهد. آخرین دستور اجرایی سال ۲۰۱۲ دستور اجرایی شماره ۱۳۶۲۸ بود. این قانون، دارایی اشخاصی را که متهم به انجام سانسور در ایران هستند مشمول تحریم قرار می‌دهد.

در سال ۲۰۱۲ کنگره نیز هم‌زمان با صدور دستورات اجرایی از سوی اوباما قوانینی را برای فشار بیشتر بر ایران تصویب نمود. در گام نخست قانون کاهش تهدید ایران و حمایت از حقوق بشر در سوریه تصویب شد. این قانون کلیه بانک‌های خارجی که با بخش

تحریم‌های
آمریکا

استفاده کند را منع می‌نماید و افرادی را که در این فعالیت‌ها مداخله دارند مشمول تحریم قرار می‌دهد.

سومین قطع‌نامه در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ با شماره ۱۷۴۷ و به اتفاق آرا تمامی اعضای دائمی و غیردائمی شورای امنیت به تصویب رسید. در این قطع‌نامه از تمامی کشورهای جهان خواسته شده بود تا فعالیت خود با شرکت‌های ایرانی را که در زمینه انرژی هسته‌ای فعالیت دارند، محدود کنند. همچنین ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران نیز از دیگر موارد مندرج در این قطع‌نامه بود. همچنین شورای امنیت به جمهوری اسلامی ایران ۶۰ روز مهلت داد تا با تبعیت از این قطع‌نامه و درخواست‌های قطع‌نامه ۱۷۳۷ که پیش از آن تصویب شده بود، به فعالیت‌های «حساس اتمی» خود، از جمله غنی‌سازی اورانیوم پایان دهد. این قطع‌نامه بانک سپه، سپاه پاسداران و اشخاص و نهادهای دیگری را مشمول تحریم قرار داده و از مؤسسات مالی بین‌المللی می‌خواهد که از اعطای وام‌های جدید به ایران خودداری نمایند.

قطع‌نامه بعدی به شماره ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸ با رأی مثبت و رأی ممتنع اندونزی به تصویب رسید. در قطع‌نامه‌های قبل اشخاص و شرکت‌های مشخصی به دلیل داشتن در برنامه هسته‌ای ایران شامل تحریم‌های مالی و مسافرتی قرار گرفته بودند. در این قطع‌نامه افراد جدیدی به لیست اضافه شدند. همچنین برای اولین بار تحریم‌هایی کلی بر اقتصاد ایران وضع گردید که کنترل صادرات و واردات ایران و خصوصاً کالاهایی که دارای مصرف دوگانه در صنایع نظامی و غیرنظامی است بود را شامل می‌شد. این مسئله اقتصاد ایران را برای تهیه مواد اولیه با دشواری‌های بسیاری مواجه

حقوق بشر و برنامه توسعه موشک‌های بالستیک^۱، علیه روسیه به دلیل دخالت در روند برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا و علیه کره شمالی به خاطر آزمایش‌های موشکی بالستیک قاره‌پیما و بی‌توجهی به قطع‌نامه‌های سازمان ملل است. این لایحه در عین حال اختیارات رئیس‌جمهور برای تغییر در این تحریم‌ها بدون تأیید کنگره را کاهش می‌دهد. از مهم‌ترین نکات این تحریم اثر دومینووار آن و همچنین قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست^۱ SDN است^۲

تحریم‌های سازمان ملل

سازمان ملل متحد به دنبال فشارهای آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران مجموعاً هفت قطع‌نامه علیه ایران صادر نمود که چهار مورد از آن‌ها دارای آثار تحریمی بودند. اولین قطع‌نامه، قطع‌نامه ۱۶۹۶ بود که در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ تصویب شد. در این قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل پس از ابراز نگرانی از اهداف برنامه هسته‌ای ایران، از ایران خواست تا برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند. این قطع‌نامه هیچ‌گونه بار تحریمی‌ای برای ایران به دنبال نداشت.

از آنجا که ایران برنامه غنی‌سازی اورانیوم خود را بر طبق قطع‌نامه ۱۶۹۶ متوقف نکرد قطع‌نامه ۱۷۳۷ با رأی هر ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسید. در این قطع‌نامه برای وادار کردن جمهوری اسلامی به توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم تحریم‌هایی را وضع نمود. این قطع‌نامه فروش قطعاتی که ایران می‌تواند از آن برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود

^۱ Specially Designated National List .

^۲ اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا به صورت مداوم در راستای برنامه اجرایی خود لیستی از افراد یا شرکت‌هایی که در تملک کشورهای خاص بوده، یا توسط آن‌ها کنترل می‌شوند یا به نمایندگی از آن‌ها اقداماتی را انجام می‌دهند

منتشر می‌کند. این لیست حاوی اسامی افراد و شرکت‌هایی که به گروه‌های تروریستی یا قاچاقچیان مواد مخدر کمک می‌کنند نیز می‌باشد. اموال و دارایی‌های افراد و شرکت‌هایی که در این لیست قرار می‌گیرند مسدود شده و معامله با آن‌ها مگر در موارد معین شده ممنوع است.

کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز درخواست شد تا همکاری کامل از جمله ارائه اطلاعات لازم را با گروه مزبور داشته باشند. شایان ذکر است که قطعنامه ۱۹۸۴، با رأی موافق و یک رأی مخالف (لبنان) به تصویب رسید.

تحریم‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۷ برابر با هشتم اسفند ۱۳۸۵ در پیروی از قطعنامه شورای امنیت، اقدام به اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌ها به ایران کرد که می‌توانست در پیشبرد فناوری‌های موشکی و هسته‌ای مؤثر واقع شود. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌های بیشتری را شامل شد. همچنین از آن زمان بازرسی کالاهای ارسال شده به ایران از طریق مسیرهای زمینی و دریایی افزایش یافت.

پس از قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت (۹ ژوئن ۲۰۱۰ برابر با ۹ خرداد ۱۳۸۹)، تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران به تدریج بمانند تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران گسترش یافت. اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۰ نخستین تحریم خود علیه ایران را وضع نمود. بر این اساس موارد تحریمی زیر علیه ایران اعمال شد:

- منع بانک‌های ایرانی از تأسیس شعب در اتحادیه اروپا و ارتباط با بانک‌های این حوزه
- ممنوعیت خرید و فروش اوراق قرضه عمومی توسط دولت یا بانک‌های ایران
- ممنوعیت بیمه یا تمدید بیمه نهادهای مرتبط با دولت ایران
- انتقال مبلغ بیش از ۱۰ هزار یورو باید با اطلاع قبلی انجام شده و برای مبالغ بیش از ۴۰ هزار یورو اخذ مجوز الزامی شد.
- ممنوعیت تجارت تقریباً تمام کالاهای با قابلیت مصرف دوگانه، تجهیزات نظامی و اقلام مرتبط با انرژی هسته‌ای

ساخت. این قطعنامه بدون آنکه حرفی از تحریم به میان آورد خواهان توجه بیشتری به فعالیت بانک‌های ملی و صادرات شد.

قطعنامه پنجم به شماره ۱۸۳۵ در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ تصویب شد. این قطعنامه فاقد اثر تحریمی خاصی برای ایران بود و صرفاً با تأکید بر قطعنامه‌های پیشین از ایران می‌خواست که "بدون وقفه به تعهداتش در قبال قطعنامه‌های یادشده شورای امنیت عمل کند و خواسته‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برآورده سازد."

قطعنامه ششم به شماره ۱۹۲۹ در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب رسید. این قطعنامه علاوه بر افزودن نام افراد و نهادهایی به فهرست‌های قبلی، فروش تسلیحات سنگین به ایران را منع و اجازه بازرسی کشتی‌های ایرانی را صادر می‌کرد و اشخاص یا نهادهایی را که با کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران یا سپاه پاسداران روابط تجاری داشتند مشمول تحریم قرار می‌داد. این قطعنامه با رأی مخالف برزیل و ترکیه همراه بود.

سرانجام هفتمین قطعنامه که اثر تحریمی نیز نداشت در ۹ ژوئن ۲۰۱۱ تصویب شد. شورای امنیت طی قطعنامه ۱۹۸۴ خود، بر اساس ماده ۴۱ منشور و ذیل فصل هفتم آن، مدت مأموریت گروه کارشناسان (که مطابق بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ تشکیل شده بود) را تا تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۱۲ تمدید نمود. این گروه برای نظارت بر اقدامات اجرایی علیه کشورمان در خصوص برنامه‌های هسته‌ای به وجود آمده و زیر نظر کمیته تحریم‌های قطعنامه ۱۷۳۷ فعالیت می‌کرد و منحصراً برای برنامه‌های هسته‌ای ایران تشکیل شده بود. شورا از گروه کارشناسان می‌خواست تا در قالب گزارش‌های کوتاه، بلند و میان‌مدت، روند اقدامات اجرایی را در خصوص تحریم‌های اتخاذشده علیه کشورمان به اطلاع شورا برساند و برنامه کاری را درباره اقدامات اتخاذشده برای کمیته ۱۷۳۷ تهیه کند. ضمن این‌که از دبیر کل نیز خواسته شد تا اقدامات اداری لازم را جهت مساعدت به این گروه ارائه کند. همچنین از

- ممنوعیت صادرات تجهیزات کلیدی و تکنولوژی برای تولید، استخراج و پالایش نفت و گاز طبیعی
- ممنوعیت کمک‌های فنی مهندسی، آموزش و تأمین مالی بخش انرژی ایران، دسترسی محموله‌های هوایی ایران به فرودگاه‌های
- اتحادیه اروپا و نیز سوخت‌گیری و سایر خدمات به کشتی‌های ایرانی و سایر کشتی‌های ناقض تحریم‌ها
- چنان‌که مشاهده می‌شود ابعاد این تحریم گسترده و هدف آن ضربه زدن به بنیان اقتصادی ایران بوده است. این اتحادیه در دومین اقدام تحریمی خود در آوریل ۲۰۱۱ دارایی‌های افرادی که به‌زعم آن اتحادیه از ناقضان حقوق بشر در ایران بودند را مسدود و ورود آن‌ها به اتحادیه اروپا را ممنوع اعلام کرد.
- در ژانویه ۲۰۱۲ تحریم‌های سری اول گسترده‌تر شده و به‌علاوه تجارت فلزات گران‌بها و الماس با ایران ممنوع اعلام شد. بر اساس این تحریم موارد زیر در دایره شمول تحریم‌ها قرار گرفتند:
- ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال کلیه محصولات نفتی ایران و نیز تأمین مالی، تسهیل آن و یا مشارکت در صنعت پتروشیمی ایران
- انسداد دارایی‌های یکسری از نهادهای دیگر ایرانی
- ممنوعیت فروش یا انتقال فلزات گران‌بها و الماس به/از دولت ایران یا نهادهای وابسته به آن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم
- گسترده‌تر شدن لیست اقلام با مصارف دوگانه
- تحریم بعدی در مارس ۲۰۱۲ از راه رسید. بر اساس این تحریم فروش تجهیزات کنترل یا رهگیری اینترنت و سایر وسایل مخابراتی مشابه که برای سرکوب از آن‌ها استفاده می‌شود به ایران ممنوع اعلام شد. در همین ماه تحریم دیگری نیز از سوی اتحادیه اروپا وضع شد که هدف اصلی آن نظام مالی و بیمه‌ای کشور ایران بود.
- بر این اساس موارد زیر مشمول تحریم شدند:
- ارائه خدمات مالی توسط "فراهم‌کنندگان ارتباطات مالی" (نظیر سوئیت) که امکان مبادلات بانکی بین‌المللی را در سراسر جهان فراهم می‌کند به نهادهای مالی تحریمی
- ممنوعیت هرگونه تعامل بین بانک‌های ایرانی و اروپایی، مگر با اخذ مجوز تحت شرایط خاص
- ممنوعیت صادرات گرافیت، آلومینیوم، فولاد، نرم‌افزارهای صنعتی و هرگونه کمک فنی مهندسی و مالی مرتبط
- ممنوعیت واردات گاز طبیعی از ایران
- ممنوعیت اعطای اعتبارات کوتاه‌مدت، ضمانت‌نامه یا بیمه به ایران سرانجام در آخرین دور از تحریم‌های اتحادیه اروپا که در اکتبر ۲۰۱۲ وضع شد موارد زیر مشمول شد:
- ممنوعیت ارائه خدماتی مانند خدمات تولید و تضمین استانداردهای تانکرها، پرچم‌گذاری به تانکرهای ایرانی و ممنوعیت انتقال یا ذخیره نفت ایران توسط تانکرهای متعلق به شرکت‌ها و اشخاص اتحادیه اروپا
- ممنوعیت انتقال تجهیزات و تکنولوژی ساخت کشتی به ایران
- گسترش دامنه تجهیزات ممنوعه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی برای فروش به ایران
- افزودن ۳۴ شخص ایرانی جدید به لیست مشمول انسداد دارایی‌ها از جمله وزرای نفت و نیرو، بانک مرکزی ایران و چندین شرکت نفت و پتروشیمی
- بنابراین چنان‌که مشاهده می‌شود اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۰ هم‌نوا با ایالات متحده دست به اعمال تحریم وسیعی در حوزه‌های انرژی و مالی علیه ایران نمود، به‌گونه‌ای که عملاً ارتباط اقتصاد ایران با جهان قطع شده، درآمدهای نفتی به‌شدت کاهش یافته و کشور به‌سوی انجام معاملات نهاتری سوق داده شد.

- ممنوعیت صادرات تجهیزات کلیدی و تکنولوژی برای تولید، استخراج و پالایش نفت و گاز طبیعی
- ممنوعیت کمک‌های فنی مهندسی، آموزش و تأمین مالی بخش انرژی ایران، دسترسی محموله‌های هوایی ایران به فرودگاه‌های
- اتحادیه اروپا و نیز سوخت‌گیری و سایر خدمات به کشتی‌های ایرانی و سایر کشتی‌های ناقض تحریم‌ها
- چنان‌که مشاهده می‌شود ابعاد این تحریم گسترده و هدف آن ضربه زدن به بنیان اقتصادی ایران بوده است. این اتحادیه در دومین اقدام تحریمی خود در آوریل ۲۰۱۱ دارایی‌های افرادی که به‌زعم آن اتحادیه از ناقضان حقوق بشر در ایران بودند را مسدود و ورود آن‌ها به اتحادیه اروپا را ممنوع اعلام کرد.
- در ژانویه ۲۰۱۲ تحریم‌های سری اول گسترده‌تر شده و به‌علاوه تجارت فلزات گران‌بها و الماس با ایران ممنوع اعلام شد. بر اساس این تحریم موارد زیر در دایره شمول تحریم‌ها قرار گرفتند:
- ممنوعیت واردات، خرید یا انتقال کلیه محصولات نفتی ایران و نیز تأمین مالی، تسهیل آن و یا مشارکت در صنعت پتروشیمی ایران
- انسداد دارایی‌های یکسری از نهادهای دیگر ایرانی
- ممنوعیت فروش یا انتقال فلزات گران‌بها و الماس به/از دولت ایران یا نهادهای وابسته به آن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم
- گسترده‌تر شدن لیست اقلام با مصارف دوگانه
- تحریم بعدی در مارس ۲۰۱۲ از راه رسید. بر اساس این تحریم فروش تجهیزات کنترل یا رهگیری اینترنت و سایر وسایل مخابراتی مشابه که برای سرکوب از آن‌ها استفاده می‌شود به ایران ممنوع اعلام شد. در همین ماه تحریم دیگری نیز از سوی اتحادیه اروپا وضع شد که هدف اصلی آن نظام مالی و بیمه‌ای کشور ایران بود.
- بر این اساس موارد زیر مشمول تحریم شدند:

تحریم‌ها و برجام

ایران و گروه ۵+۱ پس از ماه‌ها مذاکره فشرده سرانجام در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به توافق رسیدند. بر اساس این توافق ایران به بهای صرف نظر کردن از بخشی از حقوق هسته‌ای خود از زیر بار تحریم‌های هسته‌ای اعمال شده علیه خود خارج می‌شد. مهم‌ترین تعهدات گروه ۵+۱ در قبال ایران به شرح زیر بود:

۱- حسب بند ۱۸ سند برجام هفت قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت شامل قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) - ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) - ۱۷۴۷ (۲۰۰۷) -

۱۸۰۳ (۲۰۰۸) - ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) - ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) لغو و در نتیجه، کمیته تحریم و پانل کارشناسی آن نیز از بین رفت.

۲- طبق پیوست ۵ سند برجام ۱۲ قطعنامه و ۵ تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر ممنوعیت همکاری‌های هسته‌ای با ایران لغو شد. اضافه بر آن، پرونده ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران مختومه شد.

۳- بر اساس بندهای ۲۱ و ۲۲ سند برجام تحریم‌های ثانویه آمریکا لغو یا متوقف شد. رئیس‌جمهور آمریکا طی فرمان اجرایی شماره ۱۳۷۱۶ تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران را که طی فرمان‌های اجرایی ۱۳۵۷۴، ۱۳۶۲۲، ۱۳۵۹۰ و ۱۳۶۴۵ وضع شده بود لغو و فرمان اجرایی ۱۳۶۲۸ را اصلاح (لغو بخش‌های ۵ تا ۷ و ۱۵) کرد. در همین زمینه آمریکا اجرای بخش‌هایی از قانون آزادی ایران و مقابله با اشاعه، قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲، قانون تحریم‌های ایران، قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و ... را متوقف کرد. بدین ترتیب اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران در حوزه‌های فروش نفت به خریداران اروپایی و آسیایی، تحریم‌های بانکی و مالی، تحریم‌های خدمات بیمه‌ای، تحریم‌های معاملات نفتی و پتروشیمی، تحریم‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی و امور بندری، تحریم‌های تجارت فلزات گران‌بها و نرم‌افزار و نیز بخش خودروسازی ایران متوقف و امکان اعطای اسکناس دلار آمریکایی به دولت ایران فراهم شد.

۴- اعمال تحریم‌های اولیه آمریکا با استثنائاتی مواجه شد. آمریکا در اجرای تعهدات خود وفق برجام چند مجوز عام به شرح زیر صادر کرده است:

الف) مجوز عام در مورد امکان معامله نهادهای تحت کنترل یا مالکیت اشخاص آمریکایی با اشخاص ایرانی که اجازه می‌دهد شرکت‌های غیر آمریکایی که مالکیت بیش از ۵۰٪ سهام آن‌ها یا اکثریت هیئت‌مدیره یا کنترل آن به دست اشخاص آمریکایی است تحت شرایطی با ایران وارد معامله شوند، لکن به سبب وجود تحریم‌های اولیه که اشخاص تبعه آمریکا را از معامله با ایران منع می‌کند و تداخل آن با لغو تحریم‌های ثانویه، عملاً لغو تحریم‌های مذکور را بی‌اثر می‌سازد.

ب- مجوز عام در مورد واردات فرش و مواد غذایی ایرانی که اجازه می‌دهد اشخاص آمریکایی این اقلام را وارد و هزینه آن را پرداخت کنند.

۵ تحریم‌های اتحادیه اروپا بر اساس بند ۱۹ سند برجام لغو شد. اتحادیه اروپا در روز تصویب توافق یعنی ۲۶ مهرماه ۱۳۹۴ تصمیم شماره ۱۸۶۳ - مقررات اجرایی شماره ۱۸۶۱ و مقررات اجرایی شماره ۱۸۶۲ را تصویب کرد که طی آن مصوبه توقف اجرای تحریم‌های هسته‌ای ایران را مشروط به اجرای برجام پیش‌بینی کرده است. همچنین اتحادیه اروپا در روز اجرای برجام تصمیم شماره ۳۷ را تصویب و در روزنامه رسمی اتحادیه منتشر کرد که طی آن تصمیم شماره ۱۸۶۳ در رفع تحریم‌های مالی و اقتصادی ایران از روز اجرایی شدن برجام را اجرایی کرد.

۶ بر اساس الحاقیه شماره ۱ - بخش ۱ و بند ۳۱ سند برجام هم‌زمان با اجرایی شدن برجام ۶۰۶ شخص و نهاد ایرانی به همراه ۳۰۳ هواپیما، نفت‌کش و کشتی ثبت‌شده در ایران از فهرست تحریم‌های شورای امنیت، آمریکا و اتحادیه اروپا خارج شدند. از این فهرست ۱۵۷ مورد مشترک در فهرست آمریکا و اتحادیه اروپا، ۲۱ مورد مشترک در فهرست آمریکا و شورای امنیت و ۲۹ مورد در فهرست شورای امنیت و اتحادیه اروپا مشترک بودند.

مروری بر تحریم‌های اعمالی از سوی نهادهای مختلف و

اثر توافق‌نامه برجام بر آنها

«تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا به واسطه دستورات اجرایی رئیس‌جمهور»

ردیف	موضوع	فرمان‌های اجرایی دولت آمریکا	سال	عدم اشاعه (سلاح کشتار جمعی)	تروریسم	حقوق بشر	موارد دیگر	وضعیت تحریم	اثرگذاری اقتصادی
۱		۱۲۱۷۰	۱۹۷۹				*	اصلاح شده	کم
۲		۱۲۲۰۵	۱۹۸۰				*	لغو شده	-
۳		۱۲۲۱۱	۱۹۸۰				*	لغو شده	-
	قرار گرفتن ایران در لیست کشورهای حامی تروریسم	-	۱۹۸۴		*				
۴	ممنوعیت واردات از ایران	۱۲۶۱۳	۱۹۸۷		*		*		-
۵	ممنوعیت برخی از معاملات مربوط به توسعه منابع نفتی ایران	۱۲۹۵۷	۱۹۹۵				*	تبدیل به قانون	زیاد
۶	تحریم معاملات خاص در خصوص ایران	۱۲۹۵۹	۱۹۹۵				*	تبدیل به قانون	زیاد
۷	تحریم معاملات خاص در خصوص ایران	۱۳۰۵۹	۱۹۹۷				*	تبدیل به قانون	زیاد
۸	بلوکه کردن دارایی‌ها و ممنوعیت معامله با کسانی که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا تهدید به آن می‌کنند یا از آن حمایت می‌کنند.	۱۳۲۲۴	۲۰۰۱		*				زیاد
۹	بلوکه کردن دارایی‌های دارندگان سلاح‌های کشتار جمعی و حامیان آنها	۱۳۳۸۲	۲۰۰۵	*					کم
۱۰	بلوکه کردن دارایی‌های ناقضین جدی حقوق بشر در ایران و برخی مسائل دیگر	۱۳۵۵۳	۲۰۱۰			*			کم
۱۱	بلوکه کردن دارایی‌های ناقضین حقوق بشر در سوریه	۱۳۵۷۲	۲۰۱۱			*			کم

«تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا به واسطه دستورات اجرایی رئیس‌جمهور – ادامه»

ردیف	موضوع	فرمان‌های اجرایی دولت آمریکا	سال	عدم اشاعه (سلاح کشتار جمعی)	تروریسم	حقوق بشر	موارد دیگر	وضعیت تحریم	اثرگذاری اقتصادی
۱۲	مجاز اجرای برخی از تحریم‌ها در قانون تحریم‌های ایران در سال ۱۹۹۶	۱۳۵۷۴	۲۰۱۱				*	لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۱۳	تحریم بخش انرژی و پتروشیمی ایران	۱۳۵۹۰	۲۰۱۱	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۱۴	بلوکه کردن دارایی‌های کلیه مؤسسات مالی ایران از جمله بانک مرکزی	۱۳۵۹۹	۲۰۱۲				*		کم
۱۵	بلوکه کردن دارایی‌ها و جلوگیری از ورود افراد حقیقی که در نقض حقوق بشر دولت‌های ایران و سوریه از طریق تکنولوژی اطلاعات مشارکت دارند به آمریکا	۱۳۶۰۶	۲۰۱۲			*		قانون شده	کم
۱۶	تحریم ناقضان تحریم‌های ایران و سوریه	۱۳۶۰۸	۲۰۱۲				*		کم
۱۷	اضافه کردن تحریم‌های جدید به خصوص در حوزه نفت، فراورده‌های نفتی و پتروشیمی	۱۳۶۲۲	۲۰۱۲	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۱۸	موافقت و اجازه اعمال تحریم‌های موضوع قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و تحریم‌های بیشتر	۱۳۶۲۸	۲۰۱۲	*	*			اصلاح شده	زیاد
۱۹	مجاز اعمال تحریم‌های جدید در خصوص آزادی و اشاعه تسلیحات در قبال ایران	۱۳۶۴۵	۲۰۱۳	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد

«تحریم‌های اعمال شده توسط کنگره آمریکا»*

ردیف	قوانین مصوب کنگره	سال	عدم اشاعه (سلاح کشتار جمعی)	تروریسم	حقوق بشر	موارد دیگر	میزان تحریم بر اقتصاد ایران
۱	بودجه دفاعی ۱۹۹۳	۱۹۹۲	*				کم
۲	قانون ایسا	۱۹۹۶	*	*			زیاد
۳	قانون عدم اشاعه ایران	۲۰۰۰	*				کم (تغییر نام مورد ۶)
۴	قانون حمایت از آزادی ایران	۲۰۰۶	*	*	*		
۵	قانون سیس ادا	۲۰۱۰	*	*	*	*	زیاد
۶	قانون عدم اشاعه ایران، سوریه، کره شمالی	۲۰۱۱	*				کم
۷	بخش ۳۱۱ قانون میهن پرستی آمریکا	۲۰۱۱	*	*		*	زیاد
۸	بودجه دفاعی ۲۰۱۲	۲۰۱۱	*	*		*	زیاد
۹	قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه	۲۰۱۲	*	*	*		زیاد
۱۰	بودجه دفاعی ۲۰۱۳ (قانون آزادی و منع اشاعه)	۲۰۱۲	*	*	*		زیاد
۱۲	تمدید قانون ISA	۲۰۱۶		*			زیاد
۱۳	قانون کاتسا	۲۰۱۷	*	*	*		زیاد

* این تحریم‌ها همچنان برای آمریکا برقرار است ولی بعضی از بخش‌ها برای غیرآمریکایی‌ها متوقف شده است

«تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان ملل»

ردیف	قطعه‌نامه تحریمی شورای امنیت	سال	عدم اشاعه (سلاح کشتار جمعی)	تروریسم	حقوق بشر	موارد دیگر	وضعیت تحریم	اثرگذاری اقتصادی
۱	۱۳۹۶	۱۳۸۵/۰۴/۰۹	*				لغو شده به واسطه برجام	-
۲	۱۷۳۷	۱۳۸۵/۱۰/۰۲	*				لغو شده به واسطه برجام	کم
۳	۱۷۴۷	۱۳۸۶/۰۱/۰۴	*				لغو شده به واسطه برجام	کم
۴	۱۸۰۳	۱۳۸۶/۱۲/۱۳	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۵	۱۸۳۵	۱۳۸۷/۰۷/۰۶	*				لغو شده به واسطه برجام	-
۶	۱۹۲۹	۱۳۹۰/۰۳/۱۹	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۷	۱۹۸۴	۱۳۹۰/۰۳/۱۹	*				لغو شده به واسطه برجام	-

«تحریم‌های اعمال شده توسط اتحادیه اروپا»

ردیف	قطعه‌نامه تحریمی اتحادیه اروپا	سال	عدم اشاعه (سلاح کشتار جمعی)	تروریسم	حقوق بشر	موارد دیگر	وضعیت تحریم	اثرگذاری اقتصادی
۱	تحریم بخش انرژی و کشتیرانی ایران	جولای ۲۰۱۰	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۲	انسداد دارایی و منع آمدوشد به اتحادیه اروپا برای ناقضان حقوق بشر	آوریل ۲۰۱۱		*			لغو شده به واسطه برجام	کم
۳	تحریم صنعت نفت، بانک مرکزی و ممنوعیت مبادله فلزات گران بها	ژانویه ۲۰۱۲	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۴	ممنوعیت فروش تجهیزات سرکوب	مارس ۲۰۱۲		*			لغو شده به واسطه برجام	کم
۵	تحریم سوئیفت و تحریم کامل بانکی	مارس ۲۰۱۲	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد
۶	گسترش دامنه تحریم‌های پیشین	اکتبر ۲۰۱۲	*				لغو شده به واسطه برجام	زیاد

چنان که مشاهده می‌شود کلیه تحریم‌های سازمان ملل و کلیه تحریم‌های اتحادیه اروپا در خصوص مسئله هسته‌ای ایران به واسطه برجام لغو شده است؛ اما آمریکا صرفاً ۴ فرمان اجرایی را لغو و یک فرمان را اصلاح کرده است. مفاد دستورات اجرایی لغو شده عمدتاً در قوانین کنگره گنجانده شده‌اند. قوانین تحریمی کنگره آمریکا (بخش مورد بحث در برجام) نیز صرفاً متوقف شده بودند؛ یعنی نه تنها لغو نشده بودند، بلکه تعلیق نیز نشده بودند. این توقف اجرا (cease application) و نه تعلیق (suspend) به این معناست که هر ۴ ماه (یا ۶ ماه) رئیس‌جمهور آمریکا باید دستور توقف اجرای این تحریم‌ها را (با ذکر دلایل مجاب‌کننده خود برای کنگره) تمدید کند.

تحریم‌های لغو نشده آمریکا به‌ویژه ممنوعیت معاملات دلاری و همچنین ممنوعیت U Turn در کنار ساختار خاص و پیچیده تحریم‌های مالی آمریکا باعث شد که به‌رغم لغو کلیه تحریم‌های سازمان ملل و کلیه تحریم‌های مربوط به اشاعه اتحادیه اروپا، ایران همچنان در نقل و انتقال پول با مشکل مواجه باشد. در ادامه ساختار تحریم‌های مالی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار تحریم‌های مالی آمریکا

اوفک و تاریخچه کنترل مالی

در جنگ جهانی دوم، دولت آمریکا تلاش کرد تا بر دارایی‌های عوامل و شرکت‌های آلمان، ایتالیا و ژاپن محدودیت‌هایی اعمال نماید. دولت این کار را با یک اداره کوچک در وزارت خزانه‌داری که در آن زمان با عنوان «کنترل»^۱ شناخته می‌شد مدیریت کرد. اداره کنترل به ابزار اولیه دولت آمریکا برای تعقیب دارایی‌های حکومت دشمنان تبدیل شد. در دهه ۱۹۵۰ یعنی ایام جنگ کره، اداره کنترل به اداره کنترل دارایی‌های خارجی (اوفک) تغییر نام داد و برای هدف‌گیری دارایی‌های چین استفاده شد.

بعد از بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، اداره اوفک به مرکز محوری مدیریت تحریم‌های کوبا تبدیل شد. محدودیت‌هایی برای اینکه چه چیزی و چه کسی می‌تواند وارد کوبا شود اعمال شد تا از این طریق حکومت کاسترو تحت فشار اقتصادی قرار گیرد. نقطه

انتقال پول از حساب علی‌العزیز علی، نوه خالد شیخ محمد در دویی استفاده کردند. تمامی نوزده رباینده، حساب‌های بانکی به نام‌های اصلی خودشان داشتند و بارها به صورت نقدی اقدام به واریز و برداشت سپرده یا دریافت و پرداخت ارزی از دویی کرده بودند. فعالیت و تراکنش‌های بانکی هیچ‌یک از رباینده‌گان در گزارش‌های معاملات مشکوک بانک‌ها گزارش نشده بود چراکه مبالغ آن‌ها کم و دارای ماهیت قانونی بودند. این مسئله حساسیت آمریکایی‌ها را به کنترل مالی فعالیت‌های تروریستی برانگیخت. از نظر سیاست‌گذاران آمریکا، قطع کردن جریان‌های مالی گروه‌های تروریستی به معنای پایان دادن به فعالیت‌های آن‌ها بود. آمریکا برای این کار از اداره امور دارایی‌های خارجی (اوفک) استفاده کرد.

وقوع حوادث یازده سپتامبر در آمریکا وضعیت جهان را به‌طور کلی تغییر داد. آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان هدف حمله‌ای تروریستی قرار گرفته بود که صرفاً نیم میلیون دلار هزینه صرف آن شده بود. نکته حائز اهمیت در این خصوص استفاده تروریست‌ها از شبکه بانکی آمریکا برای تأمین مالی این عملیات بود. در حملات یازده سپتامبر، القاعده به شبکه‌های مالی و به مصطفی احمد الحوساوی که به‌عنوان مدیر مالی عملیات خدمت می‌کرد اتکا کرد. رباینده‌گان هواپیما، از حسابی در دویی پول دریافت کردند. در آلمان از بانک درسدنر^۱ استفاده کردند. آن‌ها در آمریکا از حساب‌های بانکی در سان تراست بانک^۲ در فلوریدا و بانک آمریکا^۳ و همین‌طور چند بانک محلی دیگر که به نام‌های واقعی‌شان افتتاح شده بود استفاده کردند. در سان دیاگو، نواف الحضمی و خالد المظهر^۴ از حساب مدیر بانک در مرکز اسلامی سان دیاگو برای

Nawaf al-Hazmi and Khalid al-
Mihdhar
The Control.^۵

Dresdner Bank.^۱
Sun Trust Bank.^۲
Bank of America.^۳

عطف قدرت‌نمایی اوفک به بحران گروگان‌گیری ایران در ۱۹۷۹ باز می‌گردد که در پی آن دارایی‌های ایران - دارایی‌های نقد و دارایی‌های واقعی نظیر سفارت‌خانه و کنسول‌ها - بر اساس دستور اجرایی توقیف شد. چنان‌که پیش‌ازین اشاره شد در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ رئیس‌جمهور جیمی کارتر دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ را امضا کرد که بر اساس آن تمامی دارایی‌های دولت ایران در قلمرو آمریکا که بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بود مسدود گردید. عملیات انسداد و مدیریت دارایی‌های ایران در حین بحران گروگان‌گیری - تأثیر آن در حل موضوع با دولت ایران از طریق بیانیه الجزایر - نشان داد که ضروری است اوفک به نهادی بسیار بیشتر از یک اداره صدور مجوز تبدیل شود. این اداره باید آن‌قدر توسعه یابد که بتواند این پرونده و دیگر مواردی که پیش خواهد آمد را مدیریت کند.

اوفک و ممانعت از دسترسی

به نظام مالی آمریکا

آنچه اوفک را تا این اندازه قدرتمند می‌ساخت توانایی‌اش برای انسداد

دارایی‌ها یا تراکنش‌ها نبود بلکه قدرت‌ش در جلوگیری از دسترسی بخش‌های تحت تحریم و اشخاص همکاری‌کننده با آن به نظام مالی آمریکا بود. در میانه دهه ۱۹۸۰ بود که نیوکمب و جانشین کلیدی‌اش باب مک برین^۱ تصمیم گرفتند تا روشی که بانک‌ها را از تصمیمات اوفک مطلع می‌کرد، تغییر دهند. در ۱۹۸۶، اوفک اولین لیست سیاه اشخاص مدنظر خود را به‌طور عمومی و با ارسال نامه‌ای به فدرال رزروهای ایالتی منتشر کرد. از بین سیزده بانک در نظام فدرال رزرو، تنها فدرال رزرو ایالت نیویورک به این نامه‌ها توجه کرد که البته تا حدی به این دلیل بود که اغلب تراکنش‌ها و دارایی‌های موضوع هشدار اوفک از طریق بانک‌های نیویورک صورت می‌گرفت. اما این شروع منزوی‌سازی اشخاص هدف از نظام بانکداری بود. برای اشخاصی که وارد لیست سیاه دولت آمریکا می‌شوند تجارت در آمریکا در قلمرو اوفک و قوانین تحریم خیلی دشوار می‌شود چرا که اتباع آمریکا، تجار و دیگر اشخاص حقوقی از هرگونه تعامل تجاری یا مالی با آن‌ها منع می‌شوند. بانک‌های سراسر

جهان، به‌خصوص آن‌هایی که می‌خواستند حضور خود در ایالات متحده را حفظ کنند، ملزم شدند تا حتی برخلاف میل خود بر اعمال تحریم‌ها مطابق لیست نظارت‌کنند. برای سال‌ها، بانک‌ها در آمریکای لاتین لیست تحریم اوفک در مورد کارتل‌های قاچاق مواد مخدر که در زبان اسپانیایی «لالیستا کلینتون» نامیده می‌شد را مدنظر داشتند. قدرت اوفک یک قدرت بین‌المللی ذاتی و در واقع ناشی از اهمیت نظام بانکداری و بازارهای سرمایه آمریکا بود. این قدرت فراتر از سواحل آمریکا و مرهون جایگاه ایالات متحده به‌عنوان بازار اصلی سرمایه و بانکداری جهانی بود. هر موسسه بین‌المللی برای رشد و دستیابی به توانایی لازم جهت کار در سطح جهانی، نیازمند دسترسی به نیویورک و نظام بانکداری آمریکا است و همین امر باعث می‌شود تا دامنه نفوذ اوفک از مرزهای آمریکا بسیار فراتر رود. دستیابی به این نوع از قدرت مالی ناشی از هژمونی دلار آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین ذخیره ارزش و پول تجاری در سراسر جهان است. شرکت‌ها و تجار

^۲ . la lista Clinton

^۱ . Bob McBrien

مظنون به تأمین مالی است. این مدل از دستورهای اجرایی نیاز به هشدار یا طی فرآیند قبلی برای تحریم کردن یک نفر ندارد یا نیازی نیست که مقررات معمول برای اجرای فرآیندهای جنایی نظیر حق مواجهه شهود انجام شود؛ چراکه در آن صورت قصد اصلی از ایجاد بازدارندگی در توقیف دارایی‌ها با شکست مواجه می‌شود. اگر فردی متوجه شود که دولت قصد توقیف دارایی‌هایش را دارد، پول‌های خود را ظرف چند دقیقه از بانک‌های تحت کنترل آمریکا به خارج منتقل می‌کند. بر این اساس در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۱ کمتر از دو هفته بعد از حمله به نیویورک و واشنگتن، بوش دستور اجرایی که بعداً به‌عنوان دستور ۱۳۲۲۴ معروف شد را امضا کرد.

می‌دانستند اما برای اجرایی کردن آن نیازمند تصویب قوانین جدید بودند. از نظر آن‌ها تصویب یک دستور اجرایی که حامیان مالی تروریسم، شرکت‌ها و تجارت‌هایی که تحت کنترل یا مالکیت آن‌ها قرار داشتند و کسانی که به شکل مشارکتی با آن‌ها کار می‌کردند را به‌صورت بالقوه موضوع تحریم قرار دهد، ضروری بود. نکته حائز اهمیت آن است که در صورت استفاده از دستور اجرایی، دولت مجبور نیست نام افراد و نهادهایی که بالفعل درگیر تأمین مالی تروریسم هستند یا می‌دانند که پولشان یا فعالیت‌هایشان برای پشتیبانی از تروریسم صرف می‌شود را اعلام کند. این ابزار یک کیفرخواست مجرمانه یا مجازات مالی مدنی نیست بلکه یک قدرت اضطراری اجرایی و یک نیروی بازدارنده برای توقیف دارایی شبکه‌های

در عمل از دلار برای تجارت بین‌المللی استفاده می‌کنند. کشورها، شرکت‌ها و افراد دلار نگهداری می‌کنند یا از حساب دلاری برای امنیت در برابر نا اطمینانی‌های ارزی استفاده می‌کنند. معاملات دلاری از هر نوع آن -از معاملات نفتی تا تسویه قراردادهای تجاری- الزاماً از مسیر تسویه حساب‌های دلاری عبور می‌کند. اغلب تراکنش‌های تسویه دلاری -از جمله معاملات نفتی- از یک حساب بانکی در نیویورک عبور می‌کند. به همین خاطر برای اغلب بانک‌ها و کسب‌وکارها امکان مقابله با اوفک وجود ندارد.

قوانین جدید برای کنترل و

اعمال فشار بیشتر

مقامات اوفک نحوه مسدود کردن دارایی‌ها در نظام مالی بین‌المللی را

بوش در سخنانی اعلام کرد:

«ما یک مرکز رهگیری دارایی تروریست‌های خارجی در وزارت خزانه‌داری ایجاد کردیم تا زیرساخت‌های مالی شبکه‌های بین‌المللی تروریسم را شناسایی و تعقیب کند... ما این الگو را رهبری خواهیم کرد. ما با جهان علیه تروریسم کار خواهیم کرد. پول، شریان حیاتی عملیات تروریستی است. امروز ما از دنیا می‌خواهیم که پرداخت‌ها {به تروریست‌ها} را متوقف کند.»

بوش دستوری را امضا کرد که به موجب آن دارایی‌های مالی بیست و هفت نهادی که مظنون به ارتباط با تروریست‌ها بودند توقیف و تراکنش با آنها ممنوع شود. این دستور نقش عملیاتی جدیدی به خزانه‌داری در مبارزه با تروریسم اعطا کرد. رویکرد جدید دولت آمریکا در تأکید بر هدف بالقوه تحریم بودن همکاران تروریست‌ها، حاوی پیامی آشکار برای بخش خصوصی بود و موجب شد بانک‌ها نسبت به برچسب «حامی تروریسم» که موجب ریسک توقیف دارایی و لکه‌دار شدن شهرت آنها می‌شد به شدت حساس شوند.

هم‌زمان با این دستور اجرایی نمایندگان کنگره «قانون میهن‌پرستی آمریکا» که فصل سوم آن به نگرانی‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم اختصاص داشت را تصویب کردند. این مصوبه اختیارات قانونی‌ای که وزارت خزانه‌داری برای توسعه شمول الزامات مبارزه با پول‌شویی برای فعالان مالی، گسترش تبادل اطلاعات مالی بین دولت و بخش خصوصی و نیز مؤسسات مالی و بعلاوه توسعه هرچه بیشتر ابزارهای قدرتمند

برای اعمال مقررات و سیاست‌های بسط یافته نیاز داشت را در اختیار آن قرار داد. «قانون میهن‌پرستی» که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ظرف ۴۵ روز از این حادثه، با امضاء جرج بوش، در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱، به قانون تبدیل شد، تدابیر امنیتی شدیدی را پیش‌بینی نمود که بر اساس آن، پلیس اختیار یافت بدون مجوز قضائی به اقداماتی گسترده مانند شنود تماس‌های تلفنی، کنترل ایمیل‌ها، انواع تفتیش و بازرسی و یا دعوت مهاجرین یا افراد مشکوک، به مصاحبه اقدام نماید.

قانون میهن‌پرستی باعث ایجاد تحولاتی اساسی در قوانین ناظر بر پول‌شویی در آمریکا گردید. قانون اصلی ناظر بر پول‌شویی در این کشور، قانون کنترل پول‌شویی^۱ بود که خود اصلاحیه‌ای نسبت به قانون رازداری بانکی محسوب می‌شود. قانون رازداری بانکی، در سال ۱۹۷۱ به تصویب کنگره رسید و برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی و دیگر جرائم مالی طراحی شده و مؤسسات مالی را ملزم به نگهداری سوابق خرید نقدی، اسناد قابل نقل و انتقال، پرونده‌های معاملات نقدی بیش از ۱۰

هزار دلار آمریکا به‌طور روزانه و گزارش فعالیت‌های مشکوکی می‌نمود که ممکن است حاکی از پول‌شویی، فرار از مالیات یا دیگر فعالیت‌های مجرمانه باشد. قانون کنترل پول‌شویی در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسید و قانون رازداری بانکی را از طریق تغییر در عدم لزوم گزارش دهی مقرر در قانون مذکور، ارتقاء داد. فصل سوم قانون میهن‌پرستی آمریکا نیز تحت عنوان «قانون جلوگیری از فعالیت‌های بین‌المللی پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» ضمن اصلاح قانون رازداری بانکی ۱۹۷۱ و سایر قوانین مرتبط با پول‌شویی این کشور، مقررات دقیقی در این زمینه وضع نموده است.

طبق این مقررات به خزانه‌داری آمریکا اختیار داده شده بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی داخلی را به کنترل، حفظ سوابق و گزارش دادن حساب‌های بانکی با موجودی یا انتقالات و گردش مالی بالا، انتقال ارز و تراکنش‌های مشکوک به پول‌شویی ملزم نماید. این مقررات به نحوی تدوین شده که مؤسسات مالی کشورهای دیگر نیز عملاً موظفند در

^۱ Control Laundering Money Act 1986 (MLCA)

لیست سیاه مربوط به آن را به دست آورد؛ اما این اختیارات بدون کسب اطلاعات در خصوص تراکنش‌های مالی امکان‌پذیر نبود. درست است که دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ و قانون میهن‌پرستی بانک‌های داخلی آمریکا و حتی شرکای خارجی آن‌ها را ملزم به ارائه اطلاعات می‌کرد اما لزوماً همه تراکنش‌های تروریستی از آمریکا عبور نمی‌کردند.

در زمینه امور مالی ملزم گردیده‌اند تا گزارش‌های مشکوک مشتریان خود را تهیه و به دولت اعلام نمایند. این قانون در سال ۲۰۱۵ با قانون آزادی جایگزین شد.

با تصویب قوانین جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا اختیارات لازم برای الزام بانک‌ها و افراد به رعایت تصمیمات خزانه‌داری در خصوص تحریم‌ها و

روابط و معاملات خود با مؤسسات آمریکایی این الزامات را رعایت نموده و تعهداتی را در رابطه با کنترل عملیات مالی مشتریان خود بپذیرند که به معنای گردآوری، نگهداری و پردازش اطلاعات مالی و سوابق بانکی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مصادیق اطلاعات شخصی است. به عبارت دیگر، در آمریکا، بر اساس مقررات وضع شده طبق قانون میهن‌پرستی، شرکت‌های فعال

دیوید کوهن معاون سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در این خصوص معتقد است:

"موفقیت تحریم‌های آمریکا بستگی عمیق به شفافیت بانکی و وضع قواعد خوب در این بخش دارد. از طریق جمع‌آوری اطلاعات کلیدی، راجع به ماهیت تراکنش‌های بانکی، گروه‌های درگیر در آن و افرادی که در نهایت از آن بهره می‌برند شناسایی خواهند شد. بدین وسیله، فضا برای بازیگران نامشروع، دولت‌ها، تروریست‌ها و مجرمان، بسیار تنگ شده و نمی‌توانند خودشان را در اقتصاد مشروع پنهان کنند. به این دلیل باید مؤلفه‌های ساخت، حفاظت و تقویت شفافیت بانکی، هسته اصلی مأموریت وزارت خزانه‌داری باشد."

اطلاعات مالی و نقش نهادهای بین‌المللی

اطلاعات مالی از اهمیت فراوانی برخوردارند؛ زیرا ردیابی مالی هیچ‌گاه دروغ نمی‌گوید. انتقال پول بین دو مجموعه کاری یک ارتباط را ثبت می‌کند؛ انتقال پول بین بانک‌ها ارتباط بین صاحبان حساب را برملا می‌کند؛ انتقال پول یا کالا بین کارگزاران بیانگر ارتباطات تجاری به همراه زمان‌بندی آن است. ضبط این تراکنش‌ها - آدرس‌ها، شماره تلفن‌ها، اسامی واقعی، بانک‌های طرف - یک معدن طلا از اطلاعات

محسوب می‌شود. ردیابی وجوه می‌تواند منجر به آشکار شدن ارتباطات و پیوندهای غیرمعمول و غیرقابل‌انتظاری شود چرا که برخلاف یک ازدواج به دلایل سیاسی یا مالی، اشتیاق به سود یا نیاز به پشتیبانی مادی نمی‌تواند بدون ردیابی باشد. پول عامل اتصال و تسهیل‌کننده بزرگ حتی در میان دشمنان است و پول و ارزش مالی زمانی دست‌به‌دست می‌شود که واقعاً ارتباطی وجود داشته باشد.

اطلاعات صحیح در مورد فرستنده و گیرنده وجوه می‌تواند پنجره‌ای به روی

شبکه‌های وسیع‌تر یا تشخیص پیوندهای نادیدنی بگشاید. اگر این اطلاعات به‌اندازه کافی دقیق و به‌موقع باشد، می‌تواند به تخریب فعالیت‌های تروریستی کمک کند. اگر سرویس‌های اطلاعاتی بفهمند که یک عنصر تروریست مقادیری پول از طرف یک اهداگر یا حامی خارجی دریافت خواهد کرد، آنگاه می‌توانند وجه را ردیابی و فرد تروریست را به‌طور فیزیکی رصد و دستگیر نمایند. به این جهت آمریکا تلاش‌های خود را برای گردآوری اطلاعات مالی از نهادهای بین‌المللی آغاز کرد.

گروه ویژه اقدام مالی

در اولین گام وزارت خزانه‌داری آمریکا چند روز پس از وقایع ۱۱ سپتامبر تلاش‌های خود برای تسلط بر FATF را آغاز کرد تا با استفاده از آن پازل اطلاعاتی خود را در خصوص تراکنش‌های مالی تکمیل کند. مقامات خزانه‌داری ایالات متحده در نظر داشتند به‌منظور افزایش اثرگذاری تحریم‌های ثانویه، استانداردهای بین‌المللی پیوسته و مؤثری در حوزه روابط مالی بین‌المللی ایجاد کنند. استانداردهایی که بسان یک زیرساخت برای پیاده‌سازی قطعنامه‌ها قلمداد می‌شد. گروه ویژه اقدام مالی، می‌توانست این ظرفیت را برای آن‌ها ایجاد نماید. هدف از همکاری آمریکا با FATF تصویب و الزام کشورها به رعایت قوانینی در راستای شفافیت بانکی بود. طبیعی است اگر همه کشورها دقیقاً در چارچوبی که آمریکا تعیین کرده است اقدام به نگهداری و ارائه اطلاعات به FATF کنند آنگاه کار آمریکایی‌ها برای شناسایی مظنونین آسان‌تر خواهد بود. باین حال آمریکا به همین مقدار اکتفا نکرد و به سراغ سوئیفت نیز رفت.

سوئیفت

سوئیفت که در ساختمان مجللی در بروکسل قرار دارد. یک مجموعه با مالکیت مشارکتی اعضاست که در سال ۱۹۷۳ برای استانداردسازی مخابره تراکنش‌های مالی جهانی بنا نهاده شد و شالوده ارتباطات نظام رسمی مالی را تشکیل می‌دهد. بانک‌های مرکزی کشورهای گروه ده (G10) متولی سوئیفت هستند که عبارتند از بانک مرکزی کانادا، بانک مرکزی آلمان، بانک مرکزی اروپا، بانک مرکزی فرانسه، بانک مرکزی ایتالیا، بانک مرکزی ژاپن، بانک مرکزی هلند، بانک مرکزی سوئد، بانک مرکزی سوئیس، بانک مرکزی انگلیس و فدرال رزرو نیویورک به نمایندگی از فدرال رزرو آمریکا و هیئت‌مدیره فدرال رزرو آمریکا. بانک ملی بلژیک به‌عنوان سرپرست عمل می‌کند، درحالی‌که هیئت‌مدیره سوئیفت متشکل از مدیران برجسته بانک‌های بزرگ جهانی شامل سیتی بانک و چیس منهن بانک در آمریکاست.

سوئیفت برای پدید آوردن امکان همکاری بین بانک‌ها ایجاد شد. بانک‌ها برای انتقال دارایی‌ها به بانکی دیگر در سطح بین‌المللی نیازمند سیستم امن و استاندارد هستند که مخابره و انتقال وجوه را انجام داده و جزئیات آن شامل اینکه از کجا منتقل شده، چه مبلغی منتقل شده و چه مؤسسات و مشتریانی گیرنده و ذینفع وجه هستند را مشخص کند. سوئیفت در واقع یک سامانه اتاق تسویه پایاپای مبتنی بر پیام است و به‌عنوان یک بورد توزیع پیام در سیستم مالی بین‌المللی دارای انحصار مجازی بوده و مخابره سریع و امن پیام‌ها را بین اعضا در سراسر جهان ممکن می‌سازد.

داده‌های سوئیفت از نظر اطلاعات مالی بسیار مهم است. ترافیک پیام‌رسانی آن اطلاعات مشخصی در مورد بانک‌های درگیر، صاحبان حساب، مبالغ انتقال‌یافته، تاریخ و زمان تراکنش‌ها و انتقالات و اطلاعات تماس را در برمی‌گیرد. سوئیفت ردپای مالی بسیار عمیقی از انتقالات وجوه بین‌المللی فراهم می‌کند. دسترسی دولت آمریکا به داده‌های سوئیفت راهی برای دیدن ارتباطات مالی است که تاکنون دیده نشده، اطلاعاتی که بسان کلید مهمی می‌تواند قفل نقشه بعدی تروریست‌ها را باز کند یا اجازه می‌دهد تا تمام شبکه پشتیبانی آن‌ها تحت ریسک و تخریب قرار گیرد. به‌طور بالقوه داده‌های سوئیفت در کنار دیگر داده‌های اطلاعاتی در آشکارسازی ارتباطات و پیوندهای بازیگران ناشناخته بسیار مؤثر است. آمریکا پس از مذاکرات فشرده سرانجام مقامات سوئیفت را مجاب کرد که اطلاعات خود را در اختیار آمریکا قرار دهند، اگرچه این کار به‌صورت مخفیانه انجام می‌شد. بنابراین آمریکا گام مؤثر دیگری در راستای نیل به توافق مالی بین‌المللی برداشت

نهادهای اقتصادی جهان و

سازمان ملل

هم‌زمان با این اقدامات اداره امور بین‌الملل در داخل وزارت خزانه‌داری به ریاست جان تیلور اقتصاددان دانشگاه استنفورد شروع به مذاکره و فشار بر گروه ۷، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی کرد تا فرآیندها در مبارزه با تأمین مالی تروریسم را مورد توجه قرار دهند. تیلور به‌عنوان چهره‌ای شناخته‌شده از دنیای بانک‌های مرکزی و وزیر اقتصاد به دنیای جدید نظارت و پایشگری پا گذاشته بود. او به خاطر ابداع «قاعده تیلور» چهره‌ای محترم نزد اقتصاددانان بین‌المللی بود. قاعده تیلور یک اصل راهنما در تنظیم سیاست‌های پولی است که می‌گوید برای یک درصد افزایش در تورم و تولید، بانک مرکزی باید نرخ بهره خود را بیش از یک درصد افزایش دهد. مقامات مالی بین‌المللی نه تنها قاعده تیلور را می‌شناختند، بلکه حتی برخی سر کلاس‌های تدریس وی بوده یا کارهای علمی او را خوانده بودند. در همه پایتخت‌ها مقامات از اولین مواجهه‌شان با جان تیلور حرف می‌زدند.

در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۳۷۳ را تصویب کرد. این قطعنامه همه کشورها را ملزم کرد تا با تأمین مالی تروریسم مقابله کنند و فضاهای امن برای تأمین مالی تروریسم را برچیده و ارائه خدمات پولی مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت‌های تروریستی را جرم تلقی کرده و بدون وقفه دارایی اشخاصی که در شبکه‌های تروریستی فعال هستند را توقیف کنند. این قطعنامه تنها به القاعده و طالبان محدود نبود. افق اثرگذاری آن در سطح بین‌المللی در واقع حصول اطمینان از این بود که جامعه جهانی ابزارهای لازم برای مقابله با تأمین مالی تروریسم را بکار بندد.

آمریکا و سلطه‌گری اقتصادی

مجموعه اقدامات فوق به شکل‌گیری نوع جدیدی از تنظیم‌گری مالی توسط آمریکا کمک کرد. بانک‌ها و کشورها دریافتند که جهان در حال رصد شدن است و بهایی سنگین و حیثیتی برای تخطی از مسیر و پرداخت خارج از خطوط قانونی وضع شده است. خزانه‌داری و دیگر نهادهای آمریکایی قواعد بازی را بازطراحی و تعمیق کردند

تا استانداردها و حدود قانونی فعالیت مالی شفاف شده و کسانی که از این حدود تخطی می‌کنند و به سرمایه‌های آلوده در حوزه تروریسم و پول‌شویی وصل می‌شوند منزوی یا مجازات گردند. مجموعه اقدامات فوق زمینه را برای آغاز یک جنگ مالی بزرگ با کلیه نهادهایی که به‌زعم آمریکا تروریست محسوب می‌شدند فراهم کرد. آمریکا برای این کار بانک‌ها را هدف قرار داد، زیرا از نظر آن‌ها فضای تجاری قرن بیستم تا حد زیادی به بانک‌ها وابسته بود در واقع اگر بانک‌ها به‌عنوان شریان‌های اصلی انتقال پول کنترل شوند، تأمین مالی تروریسم تا حد زیادی مختل خواهد شد

تحریم بانکها

پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر، اگرچه بانکها دستخوش قوانین، مقررات و تحریمها بودند، اما عمدتاً بازیگرانی منفعل بودند. احتمال این که بانکها مشتریان خود و تخلفات احتمالی آنها را مورد بررسی دقیق قرار دهند بسیار کم بود، مگر اینکه این کار را به سبب بررسیها و الزامات دولتی انجام می دادند. وقتی ارتباط آنها با رژیمهای تحت تحریم اثبات می شد این بانکها موظف به پرداخت جریمه می شدند، جریمه ای که گاه بانکها آن را بخشی از هزینه های تجارت با این گروهها می دانستند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، این نگرش تغییر کرد. دستور اجرایی بوش در خصوص تأمین مالی تروریسم، شرایط را به گونه ای کرد که بانکها را حتی زمانی که عامدانه قصد حمایت مالی برای تروریستهای شناخته شده یا گروههای تروریستی نداشتند در معرض ریسک بدنامی و مسدود شدن دارایی هایشان به عنوان تأمین کنندگان مالی تروریسم، قرار می داد. به محض اینکه نام یک بانک در لیست تحریمها قرار می گرفت اعتبار آن برای همیشه خدشه دار می شد. علاوه

بر این، کلیه فعالیت آن بانک مورد بررسی دقیق قرار گرفته و موجودیت آن تهدید می شد. بنابراین بانکها نه تنها با خطر جریمه شدن توسط دولت آمریکا مواجه می شدند، بلکه با خطر باطل شدن مجوز فعالیتشان توسط مقامات بانکداری آمریکا و نیویورک که به منزله حکم مرگ مجازی آنها به شمار می آمد، روبرو بودند. هیچ بانکی دوست نداشت که در خطر کنار گذاشته شدن از سیستم بانکداری آمریکا، قرار بگیرد. در نتیجه بانکها دیگر تمایلی نداشتند که به عنوان تسهیل کننده های تأمین مالی تروریستی، خود را به دردسر بیندازند. این امر باعث شد خود بانکها کارشناسانی برای اطمینان از عدم انجام فعالیتهای مرتبط یا پول شویی استخدام کنند و به صورت خودکار تحریمهای آمریکا را اجرایی کنند. این مسئله نه تنها کلیه بانکهای داخلی آمریکا را شامل می شد بلکه بانکهای خارج آمریکا را نیز شامل می شد. بنابراین آمریکا به واسطه قدرت دلار، پیوستگی زیاد سیستمهای مالی و همچنین دسترسی به اطلاعات نهادهای مالی بین المللی توانست تحریمهای مالی

خود را به کل جهان دیکته کند. نکته حایز اهمیت در خصوص تحریمهای مالی توانایی خزانه داری آمریکا برای تحریم و بلوکه کردن داراییها به صرف مظنون شدن به بانکها بود، این مسئله احتیاط بانکها برای انجام مبادلات مالی را به شدت افزایش داده است؛ به گونه ای که حتی در دوران برقرار بودن توافق نامه برجام نیز عموم بانکهای جهان از ترس تحریمهای آمریکا تمایلی به همکاری با ایران نداشتند.

سابقه تحریم‌های بانکی

یک مثال خاص می‌تواند به درک بهتر اثر تحریم‌های آمریکا کمک کند. در ۱۳ ماه مه ۲۰۰۴، دفتر حساسرسی از ارز و شبکه اجرایی جرایم مالی خزانه‌داری، بانک‌های ریگز در واشنگتن دی‌سی را به‌موجب تخطی‌های آگاهانه از فعالیت‌های مشکوک و گزارش‌هایی مبنی بر مبادله ارز و بابت عدم ایجاد یک سیستم مالی ضد پول‌شویی مناسب، در حدود ۲۵ میلیون دلار جریمه کرد. ریگز که برای سال‌های متمادی نهادی قابل احترام در واشنگتن به‌شمار می‌آمد، به لیست بلند بالایی از مشتریان متمایز، بخصوص دیپلمات‌ها و سفارتخانه‌ها، خدمات ارائه می‌داد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، ریگز به دلیل کنترل‌های سهل‌انگارانه مبارزه با پول‌شویی در رابطه با حساب‌های دیپلماتیک و سفارتی و به‌خصوص به دلیل رابطه بانکی آن با عربستان سعودی و گینه استوایی تا حدی تحت نگاه‌های موشکافانه قرار گرفته بود. ریگز به سفارتخانه‌ها و مقامات و دیپلمات‌های خارجی خدمات‌رسانی می‌کرد و در این راه برخی امتیازات را برای آن‌ها قائل بود. اعطای این امتیازات به مشتریان خاص توسط بانکداران رویه‌ای پذیرفته شده است؛ اما ریگز بیش از حد متعارف سهل‌گیرانه برخورد کرده بود.

قانون‌گذاران دریافتند که این بانک در خصوص مبادلات و حساب‌های پرخطر، کنترل‌ها و بررسی‌های کافی اعمال نکرده، گزارش‌های مربوط به فعالیت مشکوک مبادلاتی که ارزش آن‌ها ۹۸ میلیون دلار بوده را ارائه نداده و همچنین فعالیت‌های حواله‌ای، اسناد پولی و نقدی مشکوک توسط دولت عربستان سعودی و گینه استوایی را گزارش نکرده است.

جریمه ۲۵ میلیون دلاری در برابر دارایی‌های ریگز که در آن زمان به حدود ۵٫۸ میلیارد دلار افزایش یافته بود، به نظر رقم نسبتاً ناچیزی بود. با این وجود، این مسائل عملیات و اعتبار این بانک را لکه‌دار کرد. ریگز مجبور شد حساب‌هایی که برای اکثر سفارتخانه‌ها در واشنگتن باز کرده بود را ببندد. این باعث ایجاد بحران شد زیرا سفارتخانه‌ها مصرانه درصدد یافتن بانک‌های جدیدی برای ایجاد حساب بودند.

برخی از کشورها از جمله گینه استوایی، عربستان سعودی، سودان و آنگولا که اغلب کشورهای غیر دموکراتیک و از نظر نفتی غنی هستند مجبور شدند به سراغ بانک‌های جدید بروند اما سایر بانک‌ها علاقه‌ای به بر عهده گرفتن مسئولیت این حساب‌های سفارتخانه‌ای نداشتند. به‌خصوص با توجه به فشارهایی که از جانب مطبوعات وارد می‌شد؛ توجهاتی که به ریگز معطوف شده بود؛ خطراتی که باید برای تطبیق خود با شرایط متحمل می‌شدند و همچنین به دلیل بررسی‌های موشکافانه‌ای که اکنون به داشتن حساب‌های خاص روی آن‌ها متمرکز می‌شد. از سوی دیگر این کشورها معتقد بودند که کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی، آمریکا را ملزم به ارائه خدمات مالی به تمامی سفارتخانه‌ها می‌کند. سفارتخانه‌ها از آمریکا می‌خواستند که دستور باز شدن حساب‌های آن‌ها را به بانک‌ها صادر کند، اما بانک‌ها به دنبال یافتن این اطمینان بودند که در صورتی که متعهد به ادامه تجارت بانکداری با دارندگان حساب‌هایی شوند که قبلاً در ریگز حساب داشتند، مورد هدف و سوءظن قرار نخواهند گرفت. از آنجا که دولت آمریکا نه بانک‌ها را مجبور به ادامه این تجارت می‌کرد و نه تضمین می‌کرد که بانک‌ها در صورت همکاری با سفارتخانه‌ها مورد بررسی‌های بیشتر قرار نخواهند گرفت، شرایط به‌شدت پیچیده شده بود. پس از اینکه وزیر خزانه‌داری و وزارت امور خارجه اطمینان‌هایی را به سفرا و مدیرعامل بانک‌های سیتی، جی پی مورگان چیس و دیگر بانک‌های بزرگ دادند، بحران فروکش کرد. مدیران اجرایی بانکی محتاطانه عمل می‌کردند، اما در نهایت به ادامه همکاری با سفارتخانه‌ها (البته با داشتن حق بیمه) تمایل نشان دادند.

پس از اینکه شهرت و اعتبار ریگز به کلی از بین رفت، نه تنها تجارت بانکداری خود را با سفارتخانه‌ها که موضوعی بسیار حساس و بحث‌انگیز شده بودند از دست داد، بلکه تمامی عملیات بانکداری خود را به فروش رساند. زمانی که خریدار پیدا شد - بانک پیمان سی از سن پترزبورگ - عمر ریگز به پایان رسید. در واقع یک موسسه شناخته‌شده واشنگتن به دلیل اهمال خود در کنترل پول‌شویی، اهمالی که پس از توجهات نظارتی و اجرای حادثه ۱۱ سپتامبر به‌شدت مورد سو ظن بود، کاملاً فروپاشید. این در حالی بود که ریگز صرفاً جریمه شده و از سیستم بانکداری حذف نشده بود.

نهادهای اقتصادی
جهان و سازمان ملل

اطلاعات مالی و
نقش نهادهای
بین‌المللی



آمریکا و
سلطه‌گری
اقتصادی

قوانین جدید
برای کنترل و
اعمال فشار
بیشتر



اوفک و
تاریخچه
کنترل مالی

FATF



خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها

رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه (۱۸ اردیبهشت‌ماه/ ۹ می) خروج رسمی آمریکا از برجام را اعلام کرد. پس از این اتفاق، وزارت خزانه‌داری آمریکا طی بیانیه‌ای برنامه‌ای زمان‌بندی شده برای بازگشت تحریم‌های ایران اعلام کرد. بر اساس این بیانیه برخی از تحریم‌هایی که به موجب برجام متوقف شده بودند طی سه ماه آینده و برخی طی شش ماه آینده مجدداً برقرار خواهند شد. همچنین تحریم‌ها علیه افراد خارج شده از «فهرست افراد ویژه مشخص شده و بلوک شده» (SDN) و سایر فهرست‌ها حداکثر تا ۱۴ آبان سال ۱۳۹۷ مجدداً اعمال خواهد شد.

تحریم‌های بازگشتی بعد از دوره ۹۰ روزه

دوره ۹۰ روزه در تاریخ ۶ اوت ۲۰۱۸ (۱۵ مرداد ۱۳۹۷) به پایان می‌رسد. بعد از این تاریخ، دولت آمریکا تحریم‌های را ذیل که به موجب برجام رفع شده بودند احیا خواهد کرد:

- تحریم‌های مربوط به خرید یا اکتساب اسکناس‌های دلار آمریکا توسط حکومت ایران
 - تحریم‌های مربوط به تجارت طلا یا فلزات گران‌بها توسط ایران
 - تحریم‌های مربوط به فروش، عرضه، تأمین یا نقل و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات یا نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی به ایران
 - تحریم‌های مربوط به معاملات خرید یا فروش ریال ایران یا نگهداری حساب‌ها و وجوه عمده‌ای که در خارج از خاک ایران بر پایه ریال ایران نگهداری می‌شوند
 - تحریم‌های مربوط به خرید، پذیره‌نویسی یا تسهیل معاملات دیون حاکمیتی ایران
 - تحریم‌های بخش خودروسازی ایران
- علاوه بر این، بعد از گذشت این دوره ۹۰ روزه، دولت آمریکا مجوزهای برجانی صادر شده برای رفع تحریم‌های اولیه زیر را لغو خواهد کرد:
- مجوز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا و برخی مبادلات مالی مرتبط با آن‌ها ذیل مجوزهای مربوط به "قانون تحریم‌ها و مبادلات ایران"
 - فعالیت‌های انجام شده وفق مجوزهای صادر شده برای صادرات و باز صادرات هواپیماهای تجاری مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران؛

اشخاصی که بعد از رفع تحریم‌های آمریکا علیه ایران وفق برجام وارد فعالیت‌های بالا شده‌اند بایستی برای اجتناب از قرار گرفتن در فهرست تحریم‌های آمریکا تا ۶ اوت ۲۰۱۸ این فعالیت‌ها را به تدریج کاهش دهند.

تحریم‌های بازگشتی بعد از دوره ۱۸۰ روزه

بعد از دوره ۱۸۰ روزه که در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ (۱۳ آبان ۱۳۹۷) به پایان می‌رسد دولت آمریکا تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های زیر و خدمات مرتبط با آن‌ها که پس از اجرایی شدن برجام برداشته شده بودند را مجدداً احیا خواهد کرد.

- تحریم معامله با بخش‌های کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آن‌ها
- تحریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) و از جمله خریداری نفت، محصولات نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران
- تحریم‌های مربوط به مبادلات مؤسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی ایرانی که به موجب بند ۱۲۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند.
- تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و دیگری مؤسسات مالی ایران که در بند ۱۰۴ قانون CISADA درباره آن‌ها توضیحات لازم آمده است
- تحریم‌های مربوط به ارائه خدمات پذیره‌نویسی، بیمه یا بیمه اتکایی
- تحریم‌های مربوط به بخش انرژی ایران

نکته حایز اهمیت آن است که برخی از تحریم‌های ذکر شده در فوق بر اساس دستورات اجرایی ۱۳۵۷۴ و ۱۳۵۹۰ و ۱۳۶۲۲ و ۱۳۶۴۵ و ۱۳۶۲۸ وضع شده است که پس از برجام مطابق دستور اجرایی ۱۳۷۱۶ لغو شده‌اند، اما در بیانیه وزارت خزانهداری آمریکا تأکید شده است که انتظار می‌رود این تحریم‌ها مجدداً وضع شوند (دستور اجرایی ۱۳۷۱۶ لغو شود) و از همه طرف‌های معامله با ایران خواسته است که در این خصوص تمهیدات لازم را بیندیشند.

تقابل اتحادیه اروپا، چین و روسیه با تحریم‌ها

توافقنامه برجام حاصل ۱۲ سال مذاکرات فشرده بود. خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام واکنش تند مقامات اروپایی را به دنبال داشت. عدم همراهی اروپایی‌ها با آمریکا دلایل مختلفی داشت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نادیده گرفته شدن اروپا توسط آمریکا نام برد که باعث خدشه‌دار شدن وجهه آن‌ها و بی‌ثباتی بیشتر منطقه که منجر به افزایش تهدیدهای مهاجرتی به اتحادیه اروپا می‌شود اشاره کرد. از سوی دیگر روسیه که دومین هدف تحریمی آمریکا و هم‌پیمان ایران در منطقه است نیز به این اقدام ایالات‌متحده روی خوش نشان نداد. چین نیز به‌عنوان کشوری که مبادلات گسترده‌ای با ایران داشته و به دنبال احیای جاده ابریشم است با این اقدام آمریکا همراهی نکرد. با این حال در حال حاضر بیشترین موضع‌گیری‌ها علیه اقدام یک‌جانبه آمریکا توسط اتحادیه اروپا اتخاذ می‌شود. اروپا به‌طور مشخص از اتخاذ دو راهبرد، وضع مقررات بازدارنده علیه تحریم‌های آمریکا و نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا توسط شرکت‌های اروپایی برای مقابله با تحریم‌های آمریکا صحبت کرده است.

سابقه قانون‌های بازدارنده اروپا به سال ۱۹۹۶ و زمانی که قانون تحریم علیه کوبا در ایالات‌متحده آمریکا به تصویب رسید، بازمی‌گردد. در آن مقطع شرکت‌های اروپایی از سوی آمریکا تهدید شدند که در صورت همکاری اقتصادی با کوبا تحریم می‌شوند. اتحادیه اروپا برای حفظ منافع شرکت‌های اروپایی، قانونی تصویب کرد که این شرکت‌ها را از تبعیت از تحریم‌های آمریکا منع و زمینه اعلام شکایت از دولت آمریکا در دادگاه‌های اروپایی را فراهم می‌کرد. در واقع در صورتی که شرکت‌های اروپایی از محل تحریم‌ها متحمل خسارت می‌شدند، می‌توانستند به دادگاه مراجعه کرده و بدین ترتیب اموال آمریکا توقیف و خسارت آن‌ها پرداخت می‌شد. این اتفاقات در دوره زمامداری بیل کلینتون رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا که بر چندجانبه‌گرایی و ایجاد ائتلاف‌های بزرگ برای حل مشکلات جهانی معتقد بود رخ داد. به همین دلیل و جهت ممانعت از ایجاد تنش در روابط آمریکا و اروپا قانون تحریم علیه کوبا توسط آمریکا به اجرا گذاشته نشد و عملاً هیچ اتفاقی مبنی بر اینکه شرکت‌های اروپایی تحریم شوند یا

مقابلاً به دادگاه مراجعه کنند و ادعای خسارت کنند، مشاهده نشد و تجربه مشخصی که بتوان نتیجه آن را به شرایط کنونی تعمیم داد اتفاق نیفتاد. در واقع این اقدام بیش از آنکه اقدامی فنی و اقتصادی باشد اقدامی سیاسی بود.

اما در شرایط کنونی، پیچیده و گسترده‌تر شدن تعاملات شرکت‌های اروپایی با آمریکایی‌ها از یکسو و نیز توسعه دامنه نفوذ نظارت و کنترل‌های آمریکا بر نظام مالی دنیا از سوی دیگر، باعث می‌شود که شرکت‌های اروپایی برای حفظ منافع خود به‌صورت داوطلبانه در اجرای قوانین تحریمی آمریکا مشارکت کنند. بعلاوه در دوره اخیر و به‌ویژه در ارتباط با تحریم‌های ایران، مواردی از تخلف از سوی تعدادی از نهادهای مالی دنیا اتفاق افتاده که با واکنش و جریمه سنگینی از طرف آمریکا مواجه شده‌اند. حجم جرائم اعلام شده برای تعدادی از بانک‌ها در اروپا، ترکیه و چین که به ادعای آمریکا تحریم‌های ایران را دور زده‌اند بیش از ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است. دولت آمریکا تنها در یک مورد بانک فرانسوی بی‌ان پی پاریس را به اتهام همکاری با ایران حدود ۹ میلیارد دلار جریمه کرد. مشکلات

آمریکا بر تعاملات این کشورها با ایران اثر کمتری بگذارد. جایگزین کردن چینی‌ها با شرکت‌های اروپایی یکی از گزینه‌های پیش روی ایران در دوران تحریم‌ها است؛ مسئله‌ای که در سال‌های اخیر نیز شاهد آن بوده‌ایم. اما در حال انتظار می‌رود که ارتباطات تجاری و اقتصادی با چینی‌ها و روس‌ها نیز به سطح شرکت‌های کوچک‌تر و کم‌توان‌تر تنزل یابد.

از سوی دیگر عدم همراهی این دو کشور با آمریکا شرایط را برای ایجاد شبکه‌های انتقال پول در این دو کشور مهیا می‌کند. خیز روسیه و چین در سال‌های اخیر برای استفاده از ارز ملی به جای دلار در معاملات خارجی، زمینه را برای رها شدن ایران از چرخه مبادلات دلاری مهیاتر از قبل کرده است. بنابراین انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه با این دو کشور برای تسویه بدهی‌ها و دخیل کردن سایر کشورهای خریدار نفت ایران (مانند هند، کره جنوبی و ژاپن) در این پیمان‌ها زمینه را برای ایجاد یک شبکه مستقل تسویه بر اساس روابط میان بانک‌های مرکزی و مصونیت از تحریم‌ها فراهم خواهد کرد. در اینجا نباید از نقش غیرقابل انکار هند در تداوم تجارت بین‌المللی ایران غافل شد. هندوستان در دور قبلی تحریم‌ها به واسطه توافق پدید آمده میان این کشور

در کوتاه‌مدت، انتظاری دور از واقعیت است.

در اینجا باید توجه داشت که حجم فعالیت شرکت‌های اروپایی در ایران به قدری نیست که نگران اثرگذاری تحریم‌ها بر فعالیت آن‌ها در ایران باشیم. مشکل اساسی ایران پس از اعمال تحریم‌ها ناتوانی در انتقال پول، کاهش احتمالی صادرات نفت و کاهش احتمالی صادرات غیرنفتی مانند محصولات پتروشیمی و فلزی است. لذا به نظر می‌رسد بحث‌ها در خصوص نادیده گرفتن تحریم‌های آمریکا توسط شرکت‌های اروپایی چندان با نیازهای اصلی ما در خصوص اطمینان از نقل و انتقال پول و فروش محصولات صادراتی منطبق نیست.

کشورهای روسیه و چین تاکنون در قبال این تحریم‌ها موضع تهاجمی خاصی اتخاذ نکرده‌اند اما صراحتاً خروج آمریکا از برجام را محکوم کرده‌اند. این بدان معناست که برخلاف دور قبل تحریم‌ها، این دو کشور تمایلی به تحریم ایران ندارند؛ زیرا برخلاف دور قبل سازمان ملل قطعنامه‌ای مبنی بر تحریم ایران تصویب نکرده است. از آنجاکه درهم‌تندگی اقتصاد روسیه و چین کمتر از کشورهای اروپایی با آمریکا است می‌توان امیدوار بود که تحریم‌های

حقوقی و زمان‌بر بودن فرآیند ادعای خسارت علیه آمریکا نیز می‌تواند بر عدم تمایل شرکت‌های اروپایی برای همکاری با ایران و تبعیت از قوانین تحریمی آمریکا مؤثر باشد. همچنین حضور رئیس‌جمهوری همچون ترامپ اثرات سیاسی این اقدام را نیز خنثی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت در خصوص اجرایی بودن ادعای حمایتی اروپا تردیدهای جدی وجود دارد. مگر آنکه راهکاری جدید توسط اروپا ارائه شود که ناظر بر ورود دولت‌ها یا نهاد مرکزی این اتحادیه برای مداخله در روند نقل و انتقال پول و ایجاد ضمانت‌های اجرایی لازم جهت ممانعت از پرهزینه نمودن اقدامات تحریمی آمریکا باشد. اما ارائه هرگونه راهکار عملیاتی جدید که خارج عرف جاری حاکم بر روابط مالی دنیا باشد قطعاً بسیار زمان‌بر بوده و بعید است در فرصت ۹۰ یا ۱۸۰ روزه قابل پیاده‌سازی باشد. ضمن آنکه باید توجه داشت که پیاده‌سازی هر راهکاری که توسط اروپا ارائه شود نیز قطعاً وابسته به نتایجی است که از مذاکرات جاری ایران و اروپا به دست خواهد آمد و با توجه به سابقه این دست از مذاکرات و پیچیدگی مسائل مورد مذاکره، دستیابی به دستاوردهای عملیاتی

و ایران درباره معامله با روپیه و با اتکا به قوانین تخفیفی آمریکا واردات نفت خود از ایران را ادامه داد. به نظر می‌رسد این کشور در دور جدید تحریم‌ها به واسطه عدم اجماع جهانی در خصوص تحریم ایران به مبادلات خود با ایران ادامه داده

و به یکی از مقاصد صادراتی ایران تبدیل شود. شایان توجه است که ارزیابی‌های فوق عموماً ناظر به روابط تجاری (و نه بانکی) و آن‌هم در حوزه کالاها و محصولات عادی است. به نظر می‌رسد دستیابی به محصولات خاص صنعتی، به

ویژه کالاهای دارای ویژگی دو یا چندگانه قابل استفاده در صنایع حساسیت‌برانگیز و آن دسته از کالا و خدمات که در انحصار تعداد معدودی از تأمین‌کنندگان شناخته شده دنیا قرار دارند، مجدداً با محدودیت همراه شود.

تحریم‌ها و ارزیابی امکان برون‌رفت از بحران

تحریم‌های آمریکا را می‌توان را به دو گروه کلی تحریم‌های مالی و تحریم‌های غیرمالی تقسیم کرد. با توجه به موارد موردبررسی در گزارش می‌توان گفت که تحریم‌های مالی آمریکا با شرایط فعلی، منجر به عدم دسترسی کامل ایران به نظام مالی بین‌المللی خواهد شد. بنابراین ایران در مذاکرات برای بقای برجام با طرف‌های باقی‌مانده باید برگرفتن تضمین‌های لازم برای انتقال پول تأکید کند. به‌رغم دشواری‌های پیش رو برای ایجاد یک توافق با سایر طرف‌ها در این خصوص گزینه‌های مختلف از سوی برخی نهادها و کارشناسان پیشنهاد شده است که تیم نگارنده در ادامه بدون هیچ قضاوتی صرفاً به بازنمایی آن‌ها خواهد پرداخت. متخصصین امر و همراهان تیم مذاکره‌کننده، با تسلط بر شرایط حقوقی حاکم بر فضای مذاکرات و چیدمان نظام

تجاری و اقتصادی دنیا، ممکن است راه‌کارهایی را دنبال کنند که با پیشنهادهای ذیل تشابهی نداشته باشد. با این‌وجود به دلیل آنکه برخی از این راه‌کارها به‌صورت عمومی مطرح شده و لذا ممکن است امیدواری‌هایی از قبل آن‌ها در میان فعالین اقتصادی ایجاد شود، در اینجا تلاش می‌شود تا به برخی الزامات عملیاتی آن‌ها اشاره شود تا درک دقیق‌تری از امکان‌پذیری آن‌ها ایجاد گردد.

تحریم‌های مالی آمریکا

۱- برخی از کارشناسان انتقال پول از طریق بانک مرکزی اروپا یا بانک‌های مرکزی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را راه‌حلی عملی برای مصون ماندن از تحریم‌های مالی آمریکا می‌دانند. تحریم بانک مرکزی اروپا به دلیل هزینه‌های بالای

تحریم آن برای آمریکا تقریباً غیرممکن است اما باید توجه داشت که اساساً بانک‌های مرکزی برای نقل و انتقال و تسویه طراحی نشده‌اند و لذا استفاده از این روش مستلزم طراحی‌ها مکانیزم‌های جدید و هزینه‌بر است. این پیشنهادی بود که در نخستین روزهای خروج ترامپ از برجام توسط خود اروپایی‌ها ارائه شد اما در ادامه از آن صحبتی نشد و به نظر می‌رسد طرف اروپایی این راه‌حل را کنار گذاشته است. در خصوص این راه‌حل باید توجه داشت که حتی با فرض موافقت اروپایی‌ها با این راه‌حل در صورت الزام آن‌ها به شناسایی دقیق ذی‌نفعان کمک‌چندانی به ایران نخواهد کرد. بنابراین در صورت حرکت به سمت این راه‌حل باید تمامی جوانب امر را به‌طور دقیق مدنظر قرار داد.

۲- یکی دیگر از راه‌هایی که کارشناسان برای گذر از تحریم‌ها در روزهای اخیر

تحریم‌های مالی کمک شایانی کرده و زمینه را برای تسهیل واردات به ایران نیز مهیا خواهد کرد.

به نظر می‌رسد از مجموع روابط فوق اتکا به روش سوم معقول‌تر و منطقی‌تر است؛ زیرا امکان عملیاتی شدن آن بیشتر است؛ به‌ویژه آنکه در حال حاضر حدود ۵۰ پیمان پولی مختلف میان کشورهای مختلف دنیا منعقد شده و سازوکار اجرایی آن تبدیل به رویه‌ای جاافتاده شده است. اما در هر حال باید توجه داشت که دستیابی به چنین توافقی نیز می‌تواند بسیار زمان‌بر باشد؛ ضمن آنکه تقریباً هیچ‌یک از کشورهای دارای سابقه برقراری پیمان‌های پولی، با پیچیدگی‌ها و محدودیت‌هایی مشابه وضعیت فعلی ایران مواجه نبوده‌اند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که چنین پیمانی به همان سادگی که پیش از این در دنیا تجربه شده است برای ایران نیز اتفاق بیفتد. بعلاوه با توجه به جدیت آمریکا در پیشبرد رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه تحریمی علیه کشورمان ممکن است چنین راهکاری در بلندمدت با سنگ‌اندازی از طرف آمریکا بی‌اثر شود.

۳- استفاده از پیمان‌های دوجانبه پولی دیگر روشی است که کارشناسان برای بی‌اثر کردن یا کاهش اثر تحریم‌های مالی آمریکا بر آن تأکید دارند. استفاده از ارزهای ملی در مبادلات خارجی که تحت عنوان پیمان‌های پولی دوجانبه شناخته می‌شود، روشی است که در سال‌های اخیر توسط کشورهای زیادی بخصوص بسیاری از اقتصادهای نوظهور مورد استفاده قرار گرفته است و این کشورها به شکلی کاملاً آرام، در حال کاهش وابستگی مبادلات اقتصادی خود به دلار هستند. طبق بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی می‌تواند با اجرای پیمان پولی دوجانبه بیش از نیمی از تجارت خارجی کشور را بدون استفاده از نظام مالی غرب، انجام دهد و در واقع بیش از نیمی از تحریم‌های بانکی آمریکا را بی‌اثر کند. به‌علاوه در شرایط فعلی تقاضای مستقیم ارز را کاهش داده و به بانک مرکزی در کنترل نوسانات نرخ ارز کمک شایانی می‌کند. استفاده از پیمان‌های دوجانبه پولی میان ایران و سایر کشورها به‌ویژه خریداران عمده نفت و محصولات پتروشیمی ایران در کم‌اثر کردن

درباره آن صحبت کرده‌اند، استفاده از کشورهای چین و روسیه برای تسویه مالی با ایران است. مطابق دیدگاه این گروه از کارشناسان از آنجا که اقتصاد کشورهای چین و روسیه پیوستگی کمتری با آمریکا دارند لذا استفاده از خدمات مالی این دو کشور به مراتب بهتر از استفاده از خدمات مالی اروپایی است. در واقع پیشنهاددهندگان این روش با تأکید بر این نکته که هزینه تحریم چهار بانک اصلی چین که بزرگ‌ترین خریداران اوراق قرضه از آمریکا نیز هستند را برای آمریکا بالا دانسته و معتقدند می‌توان بخشی از تراکنش‌های مالی را از طریق این چهار بانک عملی کرد. به‌ویژه آنکه مقررات مبارزه با پول‌شویی سهل‌گیرانه‌تر در چین و روسیه شانس یافتن ذی‌نفعان نهایی تراکنش‌ها را کاهش می‌دهد. با این حال اقدامات اخیر آمریکا در تحریم برخی شرکت‌های بزرگ چینی و رویکرد نامتعارف آن در برهم زدن بسیاری از توافقات تجاری، شائبه کم‌اثر شدن این راهکار را پدید می‌آورد و به نظر می‌رسد استفاده از آن به‌سادگی آنچه در خلال سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ تجربه شد نباشد.

پیمان پولی دوجانبه

پیمان پولی دوجانبه یعنی استفاده هم‌زمان از ۲ پول ملی کشورهای مبدأ و مقصد در تجارت و تأمین مالی بین دو کشور، به گونه‌ای که نیازی به ارزهای ثالث نباشد؛ به این منظور ابتدا یک حساب ویژه در ایران و یک حساب ویژه در کشور طرف معامله توسط بانک‌های مرکزی نزد یکدیگر افتتاح می‌شود. ایجاد اشتراک مفهومی در مورد حساب ویژه، نقشی کلیدی دارد. عملیات حسابداری برای این حساب ویژه بر اساس یک دارایی ارزشمند باثبات انجام می‌شود؛ به عنوان مثال دارایی‌هایی همچون طلا، نفت، SDR (واحد پولی صندوق بین‌المللی پول)، دلار، یورو و امثالهم می‌توانند کاندیدای حسابداری حساب ویژه باشند. فرض کنیم ابتدا، ارز یورو برای عملیات حسابداری حساب ویژه انتخاب شده باشد. در این حالت، هیچ‌گونه پولی به واحد یورو وارد حساب ویژه نشده و از آن نیز خارج نمی‌شود. حساب ویژه یک حساب دفتری است و هیچ ارتباطی به نظام پرداخت یورو ندارد. برای درک بهتر مثال زیر را در نظر بگیرید.

فرض کنید دو کشور ایران و کره جنوبی با هدف تسهیل تجارت می‌خواهند ارز واسط یعنی دلار را حذف کرده و از پیمان پولی دوجانبه استفاده نمایند. بانک مرکزی دو کشور وارد مذاکره با یکدیگر شده و قرارداد پیمان پولی دوجانبه امضاء می‌کنند. ابتدا کره جنوبی یک حساب ریالی نزد بانک مرکزی ایران افتتاح می‌کند. ریال درون این حساب متعلق به کره جنوبی است. سپس، ایران یک حساب به وون (Won) نزد بانک مرکزی کره جنوبی افتتاح می‌کند. مبالغ درون این حساب به وون و متعلق به ایران است.

دو بانک مرکزی نسبت ریال به وون را برای یکدیگر تضمین می‌کنند که در این دوره مالی، ارزها را به روش توافق شده خریداری خواهند کرد. بانک مرکزی ایران، مبلغ توافق شده‌ای را به حساب ریالی واریز می‌کند. بانک مرکزی کره جنوبی نیز همین روال را طی می‌کند. آنگاه دو بانک تجاری در دو کشور به عنوان عامل انتخاب می‌شوند.

اکنون تاجر ایرانی می‌خواهد از کره جنوبی کالا وارد کند. به تاجر کره‌ای سفارش خرید می‌دهد. تاجر کره‌ای پیش فاکتور را به وون برای تاجر ایرانی ارسال می‌کند. تاجر ایرانی ریال در اختیار دارد، اما باید به تاجر کره‌ای وون بپردازد. بنابراین، مبلغ قرارداد را به بانک تجاری ایرانی واریز می‌کند. بانک تجاری ایرانی، این مبلغ را به حساب ریالی نزد بانک مرکزی واریز می‌کند.

بانک مرکزی ایران به کره جنوبی اطلاع می‌دهد که مبلغ قرارداد به ریال، واریز شده است. بانک مرکزی کره جنوبی نیز معادل مبلغ قرارداد را به وون به بانک تجاری کره‌ای می‌دهد تا به حساب تاجر کره‌ای واریز نماید. با تأیید دریافت مبلغ قرارداد توسط بانک تجاری کره‌ای، کالا به ایران ارسال می‌شود و در اختیار تاجر ایرانی قرار می‌گیرد. مشابه همین فرآیند نیز در مورد صادرات کالا از ایران به کره جنوبی اتفاق می‌افتد. در پایان دوره، بانک‌های مرکزی می‌خواهند حساب ریال و وون را تسویه نمایند. این تسویه می‌تواند از طریق طلا یا دیگر دارایی‌های ارزشمند صورت گیرد.

چنانچه اجرای این راهکار با کشورهای دیگری نیز توسعه یابد، تسویه حساب‌ها در پایان دوره با سهولت بیشتری انجام می‌شود. فرض کنیم ایران سالانه مبلغ ۸۵ میلیارد ریال به کره جنوبی بدهکار است، کره جنوبی مبلغ ۹ میلیارد وون به عراق و عراق نیز مبلغ ۵ میلیارد دینار به ایران بدهکار است. سه کشور وارد فرآیند تسویه سه‌جانبه می‌شوند و بدهی ایران به کره جنوبی تسویه می‌شود. ایران به روسیه ۷۷ میلیارد ریال بدهکار است، روسیه مبلغ ۱۲۸ میلیارد روبل به چین و چین نیز مبلغ ۷۲ میلیارد یو آن به ایران بدهکار است که با تسویه ارزی بدهی ایران به روسیه نیز صفر می‌شود.

تحریم‌های غیر مالی آمریکا

تحریم‌های غیر مالی آمریکا که ناظر به تحریم دادوستد با ایران است شکل دوم تحریم‌های آمریکا را نشان می‌دهد. در این خصوص کارشناسان معتقدند که باید بین فروش نفت ایران و فروش سایر کالاها تمایز قائل شد. در خصوص فروش نفت باید توجه داشت که در صورت ایجاد قراردادهای تجاری با کشورهای طرف قرارداد ایران امکان حفظ فروش نفت در سطوح فعلی یا حداقل جلوگیری از کاهش شدید آن وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه در دور جدید تحریم‌ها مشتریان عمده نفت ایران با آمریکا همراه نیستند. تجربه پیشین تحریم‌های آمریکا نیز نشان داد که به صفر رساندن فروش نفت ایران ساده نیست. به‌رغم این موارد در صورت عدم اخذ تضمین‌های لازم و انعقاد قراردادهای مناسب با سایر طرف‌ها ممکن است مشکلات سابق در خصوص فروش نفت ایران تکرار شود.

نکته حائز اهمیت دیگر، تحریم سایر صنایع ایران شامل فولاد و فلزات اساسی، محصولات پتروشیمی، پالایشی و ...

است. باید توجه داشت که به‌رغم افزایش هزینه‌های فروش برای صادرکنندگان ایرانی در این حوزه‌ها عملاً امکان تحریم کامل این محصولات وجود ندارد و بعید به نظر می‌رسد که صادرات آن‌ها (لااقل برای سال جاری) با افت شدیدی مواجه شود. در دور قبلی که تحریم‌ها علیه ایران همه‌جانبه بوده و سازمان ملل و اتحادیه اروپا نیز با آن همراهی می‌کردند این اتفاق میسر نشد. بنابراین در شرایط فعلی که سایر کشورهای دنیا با آمریکا همراه نیستند احتمال بروز این رخداد می‌تواند پایین تر قلمداد شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که تحریم‌های جدید علیه برخی صنایع مانند صنعت پتروشیمی از نیمه آبان اعمال خواهد شد و بنابراین می‌توان امیدوار بود که حداقل در سال ۱۳۹۷ این شرکت‌ها با مشکل جدی مواجه نشوند. هر چند ممکن است سطح اعتباری طرف‌های تجاری کاهش و هزینه‌های مبادلاتی افزایش یابد.^۱

البته باید توجه داشت که عمده این صنایع برای تداوم تولید به تجهیزات وارداتی مانند کاتالیزور در صنایع شیمیایی و پتروشیمی یا الکتروود گرافیتی

در فولاد نیاز دارند. تحریم‌های اخیر می‌تواند فرآیند تأمین این مواد را با اختلال مواجه کرده و در بلندمدت ضمن اثرگذاری بر سطح تولید، باعث کاهش کیفیت محصولات شود، مواردی که فروش و به‌تبع آن سودآوری شرکت‌ها را تحت الشعاع قرار خواهد داد. به نظر می‌رسد مشکلات ذکر شده نمود چندانی در سال جاری نداشته باشند اما چنانچه گشایشی در مذاکرات اتفاق نیفتد، گریبان صنایع کشور را در سال‌های آتی خواهد گرفت.

به‌علاوه کلیه همکاری‌های اقتصادی‌ای که مستلزم حضور فیزیکی شرکت خارجی در ایران است، به دلیل آنکه به سادگی قابل رصد است با محدودیت همراه خواهد شد. لذا بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های ملی و نیز طرح‌های توسعه‌ای شرکت‌های تولیدی که ادامه و اجرای آن‌ها وابسته به خدمات خارجی است با مشکل مواجه خواهد شد.

کاهش اعتبار و افزایش ریسک از بین رفتن پول از ویژگی‌های ذاتی این نظام مبادلاتی است که طبعاً هزینه‌های غیر متعارفی را به آن تحمیل می‌کند.

فعالان و دست‌اندرکاران این حوزه شنیده شده است. آنچه مشخص است روابط واسطه‌گری بسیار گسترده و پیچیده‌ای بر این نظام حاکم است که امکان محدودسازی آن را دشوار می‌سازد.

^۱ شایان ذکر است که در خصوص چگونگی کارکرد نظام فعلی مبادلاتی کشور اطلاعات مستندی در دسترس نیست و اطلاعات و ارزیابی ارائه شده حاصل جمع‌بندی مطالبی است که از

جمع بندی

فعالیت هسته‌ای ایران و واکنش‌های بین‌المللی در قبال آن از سال ۱۳۸۱ و به دنبال انتشار گزارش شورای امنیت ملی ایران مبنی وجود تأسیسات غنی‌سازی نطنز و آب سنگین اراک آغاز شد. از آن زمان این پرونده فراز و فرودهای بسیاری را به خود دیده است. در آخرین پرده از این ماجرا ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به صورت یک‌جانبه از توافق ایران و گروه ۵+۱ موسوم به برجام خارج شد تا فصل جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران آغاز شود. تحریم‌های اخیر برخلاف دور قبلی تحریم‌های هسته‌ای محدود به تحریم‌های اعمالی از سوی آمریکا و با تحریم‌های اعمالی از سوی اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد پشتیبانی نمی‌شود. با این حال قدرت اقتصادی و سیطره مالی آمریکا بر بازارهای مالی دنیا امکان اعمال نظر در سطح جهانی را برای این کشور فراهم ساخته است؛ به گونه‌ای که تحریم‌های مصوب کنگره این کشور از سوی طیف وسیعی از شرکت‌ها در سراسر دنیا و تقریباً تمامی بانک‌ها در سراسر جهان رعایت می‌گردد. همین مسئله باعث بروز نگرانی در خصوص اثرگذاری شدید تحریم‌ها بر اقتصاد ایران شده است. تحریم‌های آمریکا می‌تواند باعث کاهش فروش نفت ایران، دشواری نقل و انتقالات پولی به ایران، و کاهش صادرات غیرنفتی ایران شود.

در مجموع می‌توان گفت دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران، در کوتاه مدت، بر فروش و صادرات محصولات غیرنفتی ایران تأثیر جدی نخواهد گذاشت و اثرگذاری آن بر فروش نفت ایران به توافقات صورت گرفته با سایر طرف‌ها بستگی دارد. اما قطعاً آثار مخرب زیادی بر تعاملات مالی و انتقال پول به ایران خواهد داشت که بیش از پیش ضرورت انعقاد پیمان‌های دوجانبه پولی را گوشزد می‌نماید. اهمیت این پیمان‌ها زمانی آشکار می‌شود که بدانیم چین بزرگترین خریدار نفت ایران، بزرگترین صادرکننده به ایران و در عین حال دارای بیشترین پیمان‌های پولی دو جانبه در سطح جهان است.

در پایان توجه به این نکته ضروری است که هرگونه توافقی اقتصادی و اجرایی در این مذاکرات منوط به توافقات سیاسی است. با توجه به سابقه این دست مذاکرات، دستیابی به توافقات عملی با طرف‌های مذاکره می‌تواند بسیار زمان‌بر باشد. مذاکرات هسته‌ای ایران از ابتدای آغاز مذاکرات با سه کشور اروپایی تا زمان امضای توافق برجام جمعاً ۱۲ سال به طول انجامید. مذاکرات فشرده برجام با روی کار آمدن تیم جدید در دولت خود به تنهایی بیش از ۲ سال طول کشید. لذا با توجه به سابقه ذهنی ایران از بدعهدی اروپا و اخذ تضامینی که منافع ملی ایران را حفظ نماید، در کنار پیچیدگی مساله به دلیل سیطره آمریکا بر نظام مالی دنیا، دستیابی به توافقات عملی در فرصت ۳ تا ۶ ماهه انتظاری دور از واقعیت است. لذا لازم است دولت و فعالان اقتصادی خود را برای دوره طولانی تری از محدودیت‌ها و تنگنای مالی آماده کنند.

منابع

- [۱] اندیشکده مینا، "توافق واقعی برای ادامه برجام و آغاز فرآیند صلح در غرب آسیا"، ۱۳۹۷.
- [۲] د. منظور و م. مصطفی پور، "بازخوانی تحریم های ناعادلانه: ویژگی ها، اهداف و اقدامات"، فصل نامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۱۳۹۲، صص ۴۳-۲۱، سال اول، شماره ۱.
- [۳] "درباره بیمان های دوجانبه پولی"، پژوهشکده پولی و بانکی [Online] 1393. Available: <http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=151000>.
- [۴] وزارت امور خارجه (مترجم)، برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و ۱+۵، ۱۳۹۴.
- [5] K. Katzman, "Iran Sanctions," Congressional Research Service, 2018.
- [6] "Executive Orders, Statutes, Rules and Regulations Relating to Iran." [Online]. Available: <https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/pages/iran.aspx>. EU [7] "EU restrictive measures against Iran." [Online]. Available: <http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/iran/>
- [7] J. Zarate, Treasury's War: The Unleashing of a New Era of Financial Warfare, 1st ed. PublicAffairs, 2013.

پیوست ۱: لیست نهادها و افراد ایرانی حاضر در فهرست SDN

Name	List	Name	List
AMIR AL MO'MENIN INDUSTRIES	SDN	ANDISHEH ZOLAL	SDN
SADID CARAN SABA ENGINEERING COMPANY	SDN	UKRAINIAN-MEDITERRANEAN AIRLINES	SDN
ITSEC TEAM	SDN	COMMITTEE TO DETERMINE INSTANCES OF CRIMINAL CONTENT	SDN
SHAHID ALAMOLHODA INDUSTRIES	SDN	OFOGH SABERIN ENGINEERING DEVELOPMENT COMPANY	SDN
RASTAFANN ERTEBAT ENGINEERING COMPANY	SDN	IRANIAN MINISTRY OF INTELLIGENCE AND SECURITY	SDN
FANAMOJ	SDN	JUNDALLAH	SDN
PARDAZESH TASVIR RAYAN CO.	SDN	ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS AIR FORCE	SDN
TEJARAT ALMAS MOBIN HOLDING	SDN	ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS AL-GHADIR MISSILE COMMAND	SDN
SHAHID KHARRAZI INDUSTRIES	SDN	RAH SAHEL INSTITUTE	SDN
SHAHID SANIKHANI INDUSTRIES	SDN	SEPANIR OIL AND GAS ENGINEERING COMPANY	SDN
SHAHID MOGHADDAM INDUSTRIES	SDN	THE ORGANIZATION OF DEFENSIVE INNOVATION AND RESEARCH	SDN
SHAHID ESLAMI RESEARCH CENTER	SDN	CASPIAN AIRLINES	SDN
SHAHID SHUSTARI INDUSTRIES	SDN	MERAJ AIR	SDN
IRAN HELICOPTER SUPPORT AND RENEWAL COMPANY	SDN	JAHAN TECH ROOYAN PARS	SDN
IRAN AIRCRAFT INDUSTRIES	SDN	MANDEGAR BASPAR KIMIYA COMPANY	SDN
RAJAEI SHAHR PRISON	SDN	DOURAN SOFTWARE TECHNOLOGIES	SDN
SUPREME COUNCIL OF CYBERSPACE	SDN	ABYSSEC	SDN
NATIONAL CYBERSPACE CENTER	SDN	SHAHID NURI INDUSTRIES	SDN
ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS ELECTRONIC WARFARE AND CYBER DEFENSE ORGANIZATION	SDN	SHAHID MOVAHED INDUSTRIES	SDN
PARDAZAN SYSTEM NAMAD ARMAN	SDN	EAST STAR COMPANY	SDN
MABNA INSTITUTE	SDN	OFOGH SABZE DARYA COMPANY	SDN
JAHAN ARAS KISH	SDN	MKS INTERNATIONAL CO. LTD.	SDN
QODS AVIATION INDUSTRIES	SDN	ERVIN DANESH ARYAN COMPANY	SDN
FAN PARDAZAN	SDN	ZIST TAJHIZ POOYESH COMPANY	SDN
IRAN AVIATION INDUSTRIES ORGANIZATION	SDN	TEHRAN PRISONS ORGANIZATION	SDN
ERTEBAT GOSTAR NOVIN	SDN	MATIN SANAT NIK ANDISHAN	SDN
EYVAZ TECHNIC MANUFACTURING COMPANY	SDN	RAYAN ROSHD AFZAR COMPANY	SDN
MARO SANAT COMPANY	SDN	ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS AEROSPACE FORCE SELF SUFFICIENCY JIHAD ORGANIZATION	SDN
NAVID COMPOSITE MATERIAL COMPANY	SDN	ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS RESEARCH AND SELF-SUFFICIENCY JEHAD ORGANIZATION	SDN

Name	List	Name	List
NEGIN PARTO KHAVAR	SDN	QESHM MADKANDALOO SHIPBUILDING COOPERATIVE CO	SDN
TIVA SANAT GROUP	SDN	AJILY SOFTWARE PROCUREMENT GROUP	SDN
TIVA KARA CO. LTD.	SDN	ANDISHEH VESAL MIDDLE EAST COMPANY	SDN
TIVA POLYMER CO.	SDN	SHAHID KARIMI INDUSTRIES	SDN
TIVA DARYA	SDN	SHAHID RASTEGAR INDUSTRIES	SDN
SAZEH MORAKAB CO. LTD	SDN	SHAHID CHERAGHI INDUSTRIES	SDN
HAJI BASIR AND ZARJMIL COMPANY HAWALA	SDN	SHAHID VARAMINI INDUSTRIES	SDN
CENTER FOR INNOVATION AND TECHNOLOGY COOPERATION	SDN	SHAHID KALHOR INDUSTRIES	SDN
SHAKURI, Gholam	SDN	BAQIY ATTALLAH UNIVERSITY OF MEDICAL SCIENCES	SDN
QASEMI, Rostam	SDN	IMAM HOSSEIN UNIVERSITY	SDN
HOJATI, Mohsen	SDN	TEHRAN GOSTARESH COMPANY, P.J.S.	SDN
KETABACHI, Mehrdada Akhlaghi	SDN	MINISTRY OF CULTURE AND ISLAMIC GUIDANCE	SDN
SHAHLAI, Abdul Reza	SDN	PRESS SUPERVISORY BOARD	SDN
AL-SHEIBANI, Abu Mustafa	SDN	AMNAFZAR GOSTAR-E SHARIF	SDN
HEKMATYAR, Gulbuddin	SDN	PEYKASA	SDN
IRAN POOYA	SDN	CENTER TO INVESTIGATE ORGANIZED CRIME	SDN
FREE LIFE PARTY OF KURDISTAN	SDN	RAHAT LTD	SDN
KHORASAN METALLURGY INDUSTRIES	SDN	ARIA NIKAN MARINE INDUSTRY	SDN
KAVEH CUTTING TOOLS COMPANY	SDN	POUYA CONTROL	SDN
AMIN INDUSTRIAL COMPLEX	SDN	NEDA INDUSTRIAL GROUP	SDN
YAZD METALLURGY INDUSTRIES	SDN	TOWLID ABZAR BORESHI IRAN	SDN
SHAHID SAYYADE SHIRAZI INDUSTRIES	SDN	TARH O PALAYESH	SDN
NIRU BATTERY MANUFACTURING COMPANY	SDN	FARATECH	SDN
HONG KONG ELECTRONICS	SDN	CHEMICAL INDUSTRIES & DEVELOPMENT OF MATERIALS GROUP	SDN
BONYAD TAAVON SEPAH	SDN	SAD IMPORT EXPORT COMPANY	SDN
ANSAR BANK	SDN	DOOSTAN INTERNATIONAL COMPANY	SDN
LINER TRANSPORT KISH	SDN	MARINE INDUSTRIES ORGANIZATION	SDN
MEHR BANK	SDN	ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN BROADCASTING	SDN
SHAHID AHMAD KAZEMI INDUSTRIES GROUP	SDN	IRANIAN COMMUNICATIONS REGULATORY AUTHORITY	SDN
M. BABAIE INDUSTRIES	SDN	ALUMINAT	SDN
MULTIMAT IC VE DIS TICARET PAZARLAMA LIMITED SIRKETI	SDN	PARS AMAYESH SANAAT KISH	SDN
CARVANA COMPANY	SDN	TAGHTIRAN KASHAN COMPANY	SDN
MACHINE PARDAZAN CO.	SDN	PISHRO SYSTEMS RESEARCH COMPANY	SDN
BASIJ RESISTANCE FORCE	SDN	ZOLAL IRAN COMPANY	SDN
BEHNAM SHAHRIYARI TRADING COMPANY	SDN	MALEK ASHTAR UNIVERSITY OF TECHNOLOGY	SDN
MEHR-E EQTESAD-E IRANIAN INVESTMENT COMPANY	SDN	MINISTRY OF DEFENSE LOGISTICS EXPORT	SDN

Name	List	Name	List
TIDEWATER MIDDLE EAST CO.	SDN	PENTANE CHEMISTRY INDUSTRIES	SDN
MAHAN AIR	SDN	HAJI KHAIRULLAH HAJI SATTAR MONEY EXCHANGE	SDN
IRAN CENTRIFUGE TECHNOLOGY COMPANY	SDN	INFORMATION SYSTEMS IRAN	SDN
PAYA PARTOV CO.	SDN	ELECTRONIC COMPONENTS INDUSTRIES CO	SDN
FARASAKHT INDUSTRIES	SDN	ADVANCED INFORMATION AND COMMUNICATION TECHNOLOGY CENTER	SDN
DEFENSE INDUSTRIES ORGANIZATION	SDN	DIGITAL MEDIA LAB	SDN
BANK SADERAT IRAN	SDN	MOBILE VALUE-ADDED SERVICES LABORATORY	SDN
FARAYAND TECHNIQUE	SDN	JAVEDAN MEHR TOOS	SDN
FAJR INDUSTRIES GROUP	SDN	NAVAL DEFENCE MISSILE INDUSTRY GROUP	SDN
MIZAN MACHINE MANUFACTURING GROUP	SDN	PARTO SANAT CO.	SDN
ISLAMIC REVOLUTIONARY GUARD CORPS	SDN	NEKA NOVIN	SDN
MINISTRY OF DEFENSE FOR ARMED FORCES LOGISTICS	SDN	FULMEN GROUP	SDN
MARTYRS FOUNDATION	SDN	YASA PART	SDN
KHATAM OL ANBIA GHARARGAH SAZANDEGI NOOH	SDN	SIMATIC DEVELOPMENT CO.	SDN
ORIENTAL OIL KISH	SDN	AL-QA'IDA KURDISH BATTALIONS	SDN
GHORB KARBALA	SDN	POUYA AIR	SDN
SEPASAD ENGINEERING COMPANY	SDN	BEHINEH TRADING	SDN
GHORB NOOH	SDN	IRAN MARINE INDUSTRIAL COMPANY, SADRA	SDN
OMRAN SAHEL	SDN	DEEP OFFSHORE TECHNOLOGY COMPANY, P.J.S.	SDN
SAHEL CONSULTANT ENGINEERS	SDN	DATAK TELECOM	SDN
HARA COMPANY	SDN	RAHAB INSTITUTE	SDN
GHARARGAHE SAZANDEGI GHAEM	SDN	MAKIN INSTITUTE	SDN
BANK SADERAT PLC	SDN	IMENSAZEN CONSULTANT ENGINEERS INSTITUTE	SDN
KOREA MINING DEVELOPMENT TRADING CORPORATION	SDN	FATER ENGINEERING INSTITUTE	SDN
AEROSPACE INDUSTRIES ORGANIZATION	SDN	SHAHID SATTARI INDUSTRIES	SDN
SHAHID BAKERI INDUSTRIAL GROUP	SDN	7TH OF TIR	SDN
SANAM INDUSTRIAL GROUP	SDN	PARCHIN CHEMICAL INDUSTRIES	SDN
YA MAHDI INDUSTRIES GROUP	SDN	JOZA INDUSTRIAL COMPANY	SDN
KALAYE ELECTRIC COMPANY	SDN	SAFETY EQUIPMENT PROCUREMENT COMPANY	SDN
ZIAEI, Gholamreza	SDN	ARMAMENT INDUSTRIES GROUP	SDN
LARIJANI, Sadegh Amoli	SDN	IRAN COMMUNICATION INDUSTRIES	SDN
AL-NAKHALAH, Ziyad	SDN	SHIRAZ ELECTRONICS INDUSTRIES	SDN
JALILI, Rasool	SDN	IRAN ELECTRONICS INDUSTRIES	SDN
RAHIMYAR, Amir Hossein	SDN	IRAN AIRCRAFT MANUFACTURING INDUSTRIAL COMPANY	SDN
AL-ZAHRANI, Ahmed Abdullah Saleh al-Khazmari	SDN	MOSLEHI, Heydar	SDN
RABIEE, Hamid Reza	SDN	VAHIDI, Ahmad	SDN

Name	List	Name	List
MALEKI, Naser	SDN	JAFARI, Mohammad Ali	SDN
AL LAMI, Isma'il Hafiz	SDN	NOOSHIN, Seyed Mirahmad	SDN
FORUZANDEH, Ahmed	SDN	HASHEMI, Seyed Mohammad	SDN
AL-MUHANDIS, Abu Mahdi	SDN	FARAH, Sayyad Medhi	SDN
JAFARI, Mohammad Javad	SDN	MUSAVI, Sayyed Javad	SDN
FALSAFI, Mahin	SDN	BAYUMI, Yisra Muhammad Ibrahim	SDN
JAFARI DOLATABADI, Abbas	SDN	GHUMAYN, Abu Bakr Muhammad Muhammad	SDN
SOLEIMANI, Sohrab	SDN	AL-KHALIDI, Faisal Jassim Mohammed al-Amri	SDN
FATHI, Ahmad	SDN	HASAN YUSUF, Ahmad	SDN
		MURTADHA MAJEED RAMADHAN ALAWI, Alsayed	SDN

پیوست ۲: لیست نهادها و افراد ایرانی حاضر در فهرست تحریم های

آمریکا

Name	List	Name	List
PARS OIL AND GAS COMPANY	Non-SDN	BANK MARKAZI JOMHOURI ISLAMIRAN	Non-SDN
NATIONAL IRANIAN OIL COMPANY	Non-SDN	BANK MASKAN	Non-SDN
NAFTIRAN INTERTRADE CO. (NICO) LIMITED	Non-SDN	BANK REFAH KARGARAN	Non-SDN
BANK MELLAT	Non-SDN	BANK OF INDUSTRY AND MINE (OF IRAN)	Non-SDN
BANK MELLI IRAN	Non-SDN	BANK KESHAVARZI IRAN	Non-SDN
EXPORT DEVELOPMENT BANK OF IRAN	Non-SDN	BANK TEJARAT	Non-SDN
POST BANK OF IRAN	Non-SDN	EUROPAISCH-IRANISCHE HANDELSBANK AG	Non-SDN
EGHTESAD NOVIN BANK	Non-SDN	BANK SEPAH	Non-SDN
PARSIAN BANK	Non-SDN	FUTURE BANK B.S.C.	Non-SDN
PASARGAD BANK	Non-SDN	IRANIAN MINES AND MINING INDUSTRIES DEVELOPMENT AND RENOVATION ORGANIZATION	Non-SDN
KARAFARIN BANK	Non-SDN	NATIONAL PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN
SAMAN BANK	Non-SDN	IRAN PETROCHEMICAL COMMERCIAL COMPANY	Non-SDN
SARMAYEH BANK	Non-SDN	PETROCHEMICAL COMMERCIAL COMPANY INTERNATIONAL	Non-SDN
TAT BANK	Non-SDN	IRAN FOREIGN INVESTMENT COMPANY	Non-SDN
BANK-E SHAHR	Non-SDN	IRAN INSURANCE COMPANY	Non-SDN
DEY BANK	Non-SDN	PETROPARS LTD.	Non-SDN
HEKMAT IRANIAN BANK	Non-SDN	PETROIRAN DEVELOPMENT COMPANY (PEDCO) LIMITED	Non-SDN
TOURISM BANK	Non-SDN	INDUSTRIAL DEVELOPMENT AND RENOVATION ORGANIZATION OF IRAN	Non-SDN
IRAN ZAMIN BANK	Non-SDN	MACHINE SAZI ARAK CO. LTD.	Non-SDN
MEHR IRAN CREDIT UNION BANK	Non-SDN	WEST SUN TRADE GMBH	Non-SDN
PERSIA OIL & GAS INDUSTRY DEVELOPMENT CO.	Non-SDN	TOSEE TAAVON BANK	Non-SDN
PARS OIL CO.	Non-SDN	ISLAMIC REGIONAL COOPERATION BANK	Non-SDN
COMMERCIAL PARS OIL CO.	Non-SDN	CREDIT INSTITUTION FOR DEVELOPMENT	Non-SDN
MARJAN PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	NATIONAL IRANIAN TANKER COMPANY	Non-SDN
GHADIR INVESTMENT COMPANY	Non-SDN	PARS PETROCHEMICAL SHIPPING COMPANY	Non-SDN
SADAF PETROCHEMICAL ASSALUYEH COMPANY	Non-SDN	EXECUTION OF IMAM KHOMEINI'S ORDER	Non-SDN

Name	List	Name	List
POLYNAR COMPANY	Non-SDN	TOSEE EQTESAD AYANDEHSAZAN COMPANY	Non-SDN
PARS MCS	Non-SDN	TADBIR ECONOMIC DEVELOPMENT GROUP	Non-SDN
OIL INDUSTRY INVESTMENT COMPANY	Non-SDN	TADBIR INVESTMENT COMPANY	Non-SDN
KHAVARMIANEH BANK	Non-SDN	TADBIR CONSTRUCTION DEVELOPMENT COMPANY	Non-SDN
GHAVAMIN BANK	Non-SDN	TADBIR ENERGY DEVELOPMENT GROUP CO.	Non-SDN
GHARZOLHASANEH RESALAT BANK	Non-SDN	REY INVESTMENT COMPANY	Non-SDN
KISH INTERNATIONAL BANK	Non-SDN	AMIN INVESTMENT BANK	Non-SDN
MSP KALA NAFT CO. TEHRAN	Non-SDN	PARDIS INVESTMENT COMPANY	Non-SDN
MAHAB GHODSS CONSULTING ENGINEERING COMPANY	Non-SDN	MELLAT INSURANCE COMPANY	Non-SDN
SINA BANK	Non-SDN	IRAN & SHARGH COMPANY	Non-SDN
BANDAR IMAM PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	IRAN & SHARGH LEASING COMPANY	Non-SDN
BOU ALI SINA PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	TADBIR BROKERAGE COMPANY	Non-SDN
MOBIN PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	ZARIN RAFSANJAN CEMENT COMPANY	Non-SDN
NOURI PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	RISHMAK PRODUCTIVE & EXPORTS COMPANY	Non-SDN
PARS PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	BEHSAZ KASHANE TEHRAN CONSTRUCTION CO.	Non-SDN
SHAHID TONDGOOYAN PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	ROYAL ARYA CO.	Non-SDN
SHAZAND PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	HORMOZ OIL REFINING COMPANY	Non-SDN
TABRIZ PETROCHEMICAL COMPANY	Non-SDN	GHAED BASSIR PETROCHEMICAL PRODUCTS COMPANY	Non-SDN

عضوی از خانواده بزرگ گروه سرمایه گذاری خوارزمی هستیم و خوش اقبالیم که از پشتوانه اعتباری و روابط موثر حقوقی این خانواده معتبر بهره مندیم. اما خوب می دانیم که اعتبار خانوادگی برای آشنایی خوب است و برای رابطه بلندمدت باید خودمان اعتماد بسازیم و اعتبار کسب کنیم. باید خودمان را اثبات کنیم.

ما یک بانک بزرگ یا یک نهاد مالی بزرگ نیستیم. منابع مان نه چندان بزرگ است و نیروهایمان نه چندان کثیر؛ اما می دانیم از آنها چطور استفاده کنیم. کارهای بزرگ توسط آدمهای بزرگ انجام می شود نه سازمانهای بزرگ.

رقیبان پرتعدادند و ذینفعان بی نصیب. بازار پر است از بزرگان مدعی و کماکان چشم انتظار راه‌حلهای کارگشا. برای همه مشکلات راه حل نداریم و همه راه‌ها را بلد نیستیم. اما نقشه خواندن خوب می دانیم. ادعای بزرگ نداریم اما می جنگیم تا در آنچه ادعا می کنیم بهترین باشیم.

برای ماندن و بهره بردن باید بهره رساند. این تنها معامله برد برد قابل انجام است. آمده ایم که بمانیم.

شرکت سبدگردان الگوریتم

ارائه دهنده خدمات مدیریت دارائی

علیرضا کنعانی

مدیر عامل

۰۹۱۲۳۰۰۹۴۳۰

kanaani@algocm.com

نجیبه خوشرو

مدیر گروه مشاور سرمایه گذاری

۰۹۱۲۹۷۴۸۰۷۱

khoshroo@algocm.com

محمد مهدی عسگری ده آبادی

کارشناس اقتصادی

۰۹۱۲۸۱۰۷۴۲۳

asgari@algocm.com



شركت سبڊگردان الگورېتم
ALGORITHM CAPITAL

